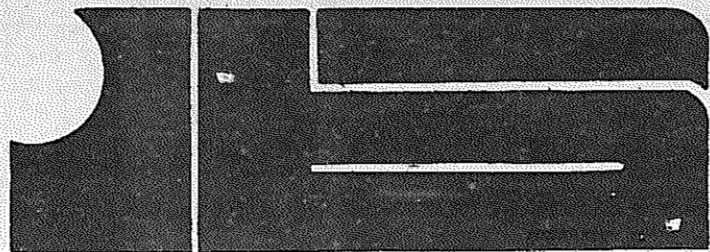


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

شکجه گران باید در دادگاههای
علنی و در حضور مردم و نیروهای
انقلابی محاکمه و محکوم گردند.



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

پنجشنبه ۱۸ دیماه ۱۳۵۹

Iranische Bibliothek in Hannover

سال دوم - شماره ۹۲

مردم از این باغ ببری

می رسد!

دادها را افشا نکردند، بلکه بسیاری از آنها، به ویژه قراردادهای مربوط به خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی را ابقاء نموده، حتی قراردادهای تازه ای با دولت های امپریالیستی منعقد ساخته.

بقیه در صفحه ۶

پس از پیروزی رژیم مزدور شاه یکی از خواست های برجسته توده های زحمتکش میهن ما این بوده است که رژیم جمهوری اسلامی تمام قراردادهای اسارت باری را که رژیم گذشته برخلاف مصالح و منافع توده های مردم با دولت های امپریالیستی و انحصارات جهانی منعقد ساخته است لغو کند و مردم را در جریان این قراردادها بشمارد، اما در عمل دیدیم که نه تنها سران جمهوری اسلامی این قرار

ضد انقلاب کیست و انقلابی چه کسی است؟

تاریخ انقلابات جهان و مبارزات انقلابی توده های زحمتکش مملو از تجربیات ارزنده و درسهای گرانبهای است که هر خلق انقلابی برای پیروزی خود باید بداند و قوف یا بدو آنها را بمانند به تجربیاتی ارزشمند فرا راه مبارزات انقلابی خود قرار دهد. یکی از این تجربیات که مکرر در تاریخ رخ داده است و توده های زحمتکش میهن ما نیز اکنون آنرا تجربه می کنند اینست که ضد انقلاب با توجه به سطح پائین شکل و آگاهی توده ها می کوشد که خود را مدافع و سخنگوی انقلاب و توده های انقلابی جا بزند و بعباری بنام انقلاب به مقابل با انقلاب برخیزد (زیرا منطق مبارزه طبقاتی حکم می کند که ضد انقلاب بسته به شرایط عینی حاکم بر جنبش، سطح رشد مبارزه انقلابی توده ها، سطح آگاهی آنها و نیز موقعیت خود چه در سطح ملی و یا جهانی باشد آن شیوه ها و روشهای متوسل گردد که با آن مرحله معین از رشد و تکامل مبارزه انقلابی توده ها منطبق باشد) در چنین شرایطی است که همه چیز واژگونه می شود هر آنچه که حقیقتا انقلابی است ضد انقلابی معرفی می گردد و هر آنچه ضد انقلابی است عین انقلاب می گردد! آنچه که امروز در میهن ما می گذرد، بیان راستین این واژگونه شدن واقعیتهاست برآستی که اکنون دوواژه "انقلاب" و "ضد انقلاب" و نیز مفاهیم انقلابی و ضد انقلابی آنچنان از سوی ضد انقلاب حاکم، این دشمنان سوگند خورده انقلاب مغشوش گشته است که بسیاری از توده - بقیه در صفحه ۲

تظاهرات باشکوه ۲۰ دیماه
۱۳۳۸ برگردان درخشان در
تاریخ جنبش دانش آموزی
صفحه ۱۵

● "بنی صدر" دست پیش را گرفته تا پس نیفتد

از دعوا برای سروری بر مقتدرات زحمتکشان که بگذریم، در باقی امور همه سران حکومت، کم و بیش هم عقیده اند. همگی از لزوم رعایت تقدس مالکیت سرمایه داری سخن می گویند، همگی از احترام به حقوق مالکان (به قول آنها: کشاورزان) یاد می کنند، همگی از ضرورت اعتماد به نظام با نكداري (که می دانیم کارگران اصلی اقتصاد وابسته بوده و هست) می گویند، همگی تحت عنوان شرایط جنگ، جلوی احقاق حقوق کارگران و زحمتکشان را می گیرند، و... این شکل پوشیده ای از "وحدت" مورد نظر سران حکومت است که بدون زحمت (!) به آن دست یافته اند و جا دارا ز این بابت به هم تبریک بگویند! اما در همین زمینه های مورد توافقی نیز جنگ زرگری ادامه دارد و هر یک از طرفین دعوا سعی را در برای بیرون بقیه در صفحه ۱۱

خبرهایی از: جنبش مقاومت خلق گورد

صفحه ۷

در این شماره:

● اخبار کارگری

● تختی پهلوان مردم بود

● انقلاب کو باود ستاوردهای آن

● نظام سرمایه داری همچنان جان کارگران را می گیرد

تحصن

رانندگان شرکت واحد

مشت محکمی بر دهان یاهو گویان

صفحه ۵

رفقا، هواداران
با کمکهای
مالی خود سازمان
را در پیشبرد امر
انقلاب یاری رسانید!

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و
پایگاه داخلیش

بقیه از صفحه ۱

های نا آگاه را سردرگم کرده است که با لاف و زبانی انقلاب کیست و انقلابی چه کسی است؟ از اینجا ضرورت پرداختن به این مسئله و بیرون آوردن توده ها از این سردرگمی مطرح می شود.

برای روشن شدن مسئله بهتر است بعضی پرداختن به تفاریف کلیه واقعات مشخص رجوع کنیم. و بیه فردای قیام با زگردیم. هنگامی که توده های انقلابی پس از نزدیک به دو سال مبارزه آشکار، با قهر انقلابی خود نظام پوسیده و منحط سلطنتی را به گورستان تاریخ سپردند دولت موقت بنام "دولت انقلاب" و بنام "انقلاب" فرمان توقف تخریب نظام کهنه و پوسیده را صادر کرد. انقلاب را پایان یافته اعلام نمود و ضمن قدردانی از توده ها و گرامیداشت شهدای انقلاب از توده ها خواست که رسالت خود را پایان یافته دانسته، وظایف دیگر را به "دولت انقلاب" واگذار کنند، به زندگی معمولی خود بازگردند و همانند انسانهای سربه زیدوران رکول را مش جنبش به زندگی برده و رنج و تبعیت از اربابان خود ادامه دهند تا کمیتی که بقدرت رسیده بوددی بر سر راه پیشرفت انقلاب سد و فرمان توقف آن و پایان یافتن اقدامات انقلابی توده ها را صادر کرد. اما برای توده ها سرگونی رژیم سلطنتی نخستین گام در راه انقلاب بود و انقلاب رسالتی بسیار عظیم تر را بعهده داشت. توده ها که انقلاب را حق خود میدانستند و هر چند نه کاملاً گاهانه بلکه بطوری غریزی وظایف انقلاب و اهداف آن را درک می کردند در جهت نابودی تمام دستگایهای استمگری رژیم گذشته و کسب آزادیهای هر چه بیشتر، بسوی برانداختن سیستم سرمایه داری وابسته و محوکا مل ستم و سلطه امپریالیسم پیش میرفتند. کارگران، دهقانان و دیگر توده های زحمتکش شهری، بهمراه سازمانهای انقلابی خود، در راه انقلاب و پیش برد و ادامه آن بودند. اما سرمایه داران و زمینداران و نیز حکومتی که بنا بر توده ها و بنام انقلاب بقدرت رسیده بود ولی از منافع سرمایه داران و زمینداران دفاع و آنها را نمایندگی می کرد، مانع انقلاب، مانع پیشرفت و بسط آن یعنی ضد انقلاب بودند. حاکمیت مدعی بود و امروز نیز مدعی است که نماینده انقلاب و نماینده توده ها است بنا بر این آنچه که می گوید و به آن عمل می کند انقلابی است و بجز آن تمام ضد انقلابی است. حاکمیت بر هر مبارزه انقلابی علیه سرمایه داران، انقلابی کا رگران علیه سرمایه داران، بر هر مبارزه انقلابی دهقانان علیه زمینداران و بر هر مبارزه انقلابی توده ها و سازمانهای انقلابی علیه سرمایه داران و زمینداران و بر هر مبارزه انقلابی علیه سرمایه داران، مبارزه بر حقیق خلقها ی کرد، ترکمن و عرب، مبارزه

ضد انقلاب کیست

دهقانان، مبارزات دانشجویان و دانش آموزان را بنام ضد انقلاب سرکوب کرد. اما دفاع از منافع سرمایه داران دفاع از حفظ سیستم سرمایه داری وابسته، دفاع از زمینداران بزرگ را انقلابی خواند.

این چنین است که به روشنی می بینیم، چگونه هر آنچه که انقلابی است، ضد انقلابی می شود، و هر آنچه ضد انقلابی است انقلابی می گردد.

ضد انقلاب حاکم برای مقابله با انقلاب بیش از هر چیز سازمانهای انقلابی را که مدافعان آگاه منافع طبقاتی توده های زحمتکش هستند، بعنوان ضد انقلاب مورد حمله قرار میدهد، و سرکوب سازمانهای انقلابی اعم از فدائی و مجاهد و سازمانهای انقلابی دیگر را بعنوان ضد انقلاب در دستور کار خود قرار میدهد و فدائیان خلق کهنه پی گیری خود را در راه مبارزات انقلابی توده ها در طی نزدیک به ده سال در عمل نشان داده اند، بیش از همه بعنوان ضد انقلاب مورد حمله قرار می گیرد.

اما چرا ضد انقلاب؟

آیا مبارزه در راه نابودی سیستم سرمایه داری وابسته، نابودی سلطه امپریالیسم، نابودی تمام روبریهای سیاسی کهنه، مبارزه در راه محو هر گونه ستم، انقلاب است یا ضد انقلاب؟

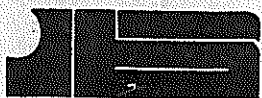
آیا مبارزه در راه سلب مالکیت از سرمایه داران وابسته و سرکوب آنها، کنترل کارخانه ها و صنایع بدست شوراها ی کارگری، سلب مالکیت از زمینداران بزرگ، سرکوب آنها، و واگذاری زمین به دهقانان، انقلاب است یا ضد انقلاب؟

آیا مبارزات برحق خلقها، دفاع از مبارزات حق طلبانه خلقهای گرسند و ترکمن، مبارزه در راه تساوی حقوق زن و مرد، دفاع از حق کار برای کارگران، زمین برای دهقانان، مسکن برای توده ها، استقلال برای ایران و آزادی برای خلق انقلاب است یا ضد انقلاب؟

سردمداران جمهوری اسلامی فریاد می زنند ضد انقلاب است و مدام در بلندگوهای تبلیغاتی خود کسانیکه را که از موارد مذکور دفاع کنند و بخاطر آنها مبارزه نمایند، ضد انقلابی معرفی می کنند. تخطی به مالکیت خصوصی تخطی به منافع سرمایه داران و زمینداران، مبارزه پی گیر در راه گسستن تمام بندها و پیوندها با امپریالیسم، دفاع از شوراها ی توده ای و تسلیح خلق، دفاع از منافع کارگران و دهقانان و مبارزه در راه آگاه کردن و متشکل نمودن آنها، همه اینها از نظر حاکمیت ضد انقلابی است اما ما می گوئیم تنها این اقدامات انقلابی است، ضد انقلابی کسی است

که از منافع سرمایه داران و زمینداران دفاع کند، ضد انقلاب کسی است که در مقابل اقدامات انقلابی کارگران و دهقانان با یستد و با قهر ضد انقلابی آنها را سرکوب کند، ضد انقلاب کسی است که در راه محو نابودی سلطه امپریالیسم گام بردارد، و سیستم سرمایه داری وابسته را حفظ کند، ضد انقلاب کسی است که ساواکیها و کودتاچیان را از زندان آزاد می کند و آنها را در مقامات مناصب حساس قرار میدهد، اما نیروهای انقلابی را به زندان می فرستند و شکنجه می کنند. ضد انقلاب کسی است که توده های زحمتکش را خلع سلاح می کند و ارتش ضد خلقی را با زسازی می نماید، ضد انقلاب کسی است که معلمین و محصلین آگاه و انقلابی را از مدارس اخراج می کند و نشا گاهها را به بهانه نفوذ کمونیستها تعطیل می کند، ضد انقلاب کسی است که سرسپردگان رژیم شاه را در مناصب خود ابقا می کند و ساواکیها را در ادارات و مدارس در رأس هیئت های پاکسازی قرار میدهد، ضد انقلاب کسی است که حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی توده ها را محدود و لوگدمال می کند و با زور سر نیزه ارتش، سپاه پاسداران، کمیته ها و حملات وحشیانه مزدوران حزب الهی به توده های زحمتکش و سازمانهای انقلابی آنها حمله می کند. اینها هستند آنچه چیزهایی که ضد انقلاب را از انقلاب و نیروهای انقلابی و ضد انقلابی را از یکدیگر متمایز می سازند، اما نه تنها سازمان جمهوری اسلامی بلکه با دوان آنها نظیر "کمیته مرکزی" در حال مخدوش کردن هستند. زیرا "کمیته مرکزی" نیز که خود را به بورژوازی فروخته است، و با آن سازش کرده است، و هر روز خود را به دامان این یا آن بخش آن می اندازد، نیروهای انقلابی را ضد انقلابی و نیروهای ضد انقلابی را انقلابی معرفی می کند. آنها که تا دیروز با زرگان ضد انقلابی را می ستودند، به اونا منته سرگشاده می نوشتند و از او می خواستند که بنام انقلاب و دولت انقلابی، از دستاوردهای انقلاب دفاع کنند، امروز بی ضرر لیبرال را که بنا به تمام شواهد موجود در خط محواستقلال و آزادی حرکت می کند، کسی که آشکارا خواستار تداوم و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته است، کسی که در حال بازسازی ارتش این ارگان ضد خلقی است، کسی که در تمام جنایات هیئت حاکمه علیه خلق سهیم بوده است و به تمام معضلات انقلابی است و دمکرات مدافع استقلال و آزادی معرفی می کند، آیا خیانتی عظیم تر از این ممکن است که هنگامیکه توده های نا آگاه تصور می کنند بنی صدر، انقلابی و مدافع استقلال و آزادی است بدنیال او راه می افتند، او را مدافع آزادی و استقلال معرفی کرد؟ آیا خیانتی عظیم تر از این ممکن است که جناح ضد انقلابی دیگر حاکمیت را که دشمنان سوگند

استقلال - کار - مسکن - آزادی



مبارزه کارگران ایرالکو، توطئه اخراج کارگران انقلابی را به شکست خواهد کشید

شب کاروروز کارمندان اتحاد برای مبارزه را گرداندن اعضای اخراجی، مبارزه را آغاز کردند. سرمایه داران نیز متقابلاً دست به عمل زدند: باسداران بسته کارخانه ریختند و دستشان انقلاب "قدیانی" در کارخانه مستقر شد و اعلام کرد که بنا به شکایت انجمن اسلامی! اعضای شورا را با بدمحاکمه کرد. کارگران یکپارچه فریاد برآوردند: "آنها نمایندگان واقعی ما هستند. جرمشان دفاع از منافع ماست و تنها ما صلاحیت محاکمه آنها را داریم." یکی از کارگران ساین احیاء که در شرایط طاقت فرسای کوره های ۱۲۰۰ کیلوگرم می کند با سروصورت سیاه و دستهای زخمی فریاد کشید: "ما خودمان به زور و بعنوان یک وظیفه، نمایندگان شورا را بعهده اینها گذاشتیم، حالا گرفتار است اینها بقیه در صفحه ۴

حدود دو ماه پیش از طرف مقامات سازمان گسترش، "مظهری" به مدیریت عامل کارخانه آلومینیم راک ایرالکو گمارده میشود. او بلافاصله با دستگیری خود فروختگانی چون "کیوان" عضو حزب جمهوری اسلامی در منطقه و "شاد" رئیس سابق توسعه و چند مزدور دیگر سرمایه داری وابسته در سازمان گسترش توطئه یورش به شورای انقلابی کارگران را طراحی و اجرا کرد. در روز ۱۱/۸/۵۹ حکام اخراج و تعلیق اعضای شورا و چند سرپرست صادر گردید (در ضمن برای مخدوش کردن ذهن کارگران چند نفر ضد کارگران نیز که با انجمن اسلامی همکاری نمی کردند و به مدیرعامل نیز خدمت نمی کردند به همراه مبارزین اخراج کردند!!). بدنیال این اقدام ضد کارگری، اعتراض کارگران بالا گرفت. کارگران



مبارزه کارگران دخانیات برای گرفتن پاداش

کارگران دخانیات حدود یکماه است که جهت گرفتن پاداش سه ماهه خود دست به مبارزه ای پیگیر زده اند. آنها حدود دو هفته پیش در "انبار تولید" کارخانه را بسته و اجازه ندادند محموله از کارخانه خارج شود. بعد از یک هفته به کارگران قول دادند به خواستهایشان رسیدگی شود. کارگران نیز اجازه دادند که کارخانه کار شود. در همان هفته یک جلسه سخنرانی در کارخانه برپا شد، ابتدا مدیرعامل صحبت کرد و گفت: "این کاری یعنی دادن پاداش در اختیار من نیست دولت باید اینکار را بکند". سپس معاون نخست وزیر که به کارخانه آمده بود سخنرانی کرد و ضمن صحبتها پیش خطاب به کارگران گفت: "شرف و حیثیت شما به خطر افتاده شما باید خودتان را از این خطر نجات دهید، تا مردم در صفت نیایستند و به شما فحش ندهند." کارگران او را هو کرده و او را از پشت تریبون دور کردند سپس کارگری برای کارگران صحبت کرد و گفت "اینها نمیدانند که کارگران این کارخانه از با شرفترین کارگران هستند آنها ۲۵ سال با رژیم گذشته مبارزه کردند و با نان خشک زندگی کردند و اعتصاب خود را نشکستند حالا قایبان می آیند و می گویند "بی شرف هستید" کارگران دخانیات دوباره تصمیم گرفتند! خروج کارخانه کارخانه جلوگیری کنند. آنها مصمم هستند، پیگیرانه، تا رسیدن به حقوق حقه خود، به مبارزه شان ادامه دهند.

اخباری چند از شرکت واحد اتوبوسرانی

تصمیم، مدیریت طی بخشنامه ای به کلیه تعمیرگاهها، روسای قسمتها را ملزم ساخت تا این طرح را اجرا نمایند. این بخشنامه در تابلاوا علناً و قسمت کارتری نصب شد تا همه کارگران از مفاد آن مطلع شوند. کارگران تعمیرگاهها به محض مشاهده این بخشنامه بطور دستجمعی به آن اعتراض کردند. روسای تعمیرگاهها چون با اعتراض یکپارچه کارگران روبرو شدند خود را در مقابل کارگران ناتوان دیدند، از نمایندگان شوراها و سندیکاها دعوت کردند تا با مدیر فنی (چرخه چی) دربارۀ این بخشنامه جلسه نمایندگان شوراها به حرکت خودسرانه مدیریت اعتراض کرده و مقابل بخشنامه را غیر قابل اجراء دانستند. همچنین در این جلسه نماینده شورای تعمیرگاه شماره ۲ طرحی را تهیه داد که بجای شیفت دوم، کارگران روزی ۱ ساعت اضافه کاری نمایند و جمعه ها را تعطیل باشند. و در ازای ۱/۴ بقیه در صفحه ۴

در اوایل با نامه مدیریت شرکت واحد به منظور خوش خدمتی به آربا با نش تصمیم گرفت کارتری شناسائی کارگران فنی را تعویض کند. بنا بر این تصمیم، کارتریهای همه کارگران فنی را جمع آوری نموده و کارتریهای جدید برای آنها صادر کرد. در موقع تحویل کارتریهای جدید، مدیریت از کارگران خواست که تعهد کتبی بیاورند، تا چنانچه بهره گیری کارتریهایشان را کم کردند، مبلغ یک هزار تومان جریمه بپردازند، که با اعتراض یکپارچه کارگران روبرو شد. کارگران ضمن اعتراض شدید به مدیریت متحدان از شوراها ایشان خواستند که کارتریهای قدیمی شان را از مدیریت پس بگیرند. شوراها موفق شدند کارتریهای قبلی را از مدیریت پس گرفته و به کارگران بازگردانند. در هفته اول آذرماه مدیرعامل شرکت واحد با استفاده از شرایط موجود دست به اقدامی برای استیفاء بیشتر کارگران زد. او با قطع کامل اضافه کاری تصمیم گرفت کلیه کارگران را به دوشیفت تقسیم نماید. در پی این

نظام سرمایه داری همچنان جان کارگران را می گیرد (۱)

در صفحه ۴

هیات حاکمه عناصر ضد کارگر را ارتقاء مقام میدهد

چندی پیش "یکیتا" یکی از مسوولین کارخانه ماشین سازی تبریز بدلیل عملکردهای بقیه در صفحه ۴

باید با استخدام کارگران بیکار،

بساط "اضافه کاری اجباری" در کارخانه ها برچیده شود!

نظام سرمایه داری همچنان...

در یکی از کوره پزخانه های اطراف کرج کارگری بنام علیرضا های درحین "گل مالی" یا لای کوره به داخل کوره سقوط می کند کارگر مذکور داخل کوره ذوب می شود. جمجمه سر علیرضا را با چند استخوان نیم سوخته برای پزشک قانونی به تهران فرستادند تا اجازة دفن صادر شود. چند نفر برای تشکیل پرونده به آنجا می روند تا به "اصطلاح ما موریت" خود را انجام دهند تا کنون هیچگونه حقی با بیت بیمه حوادث و سانه و بیمه عمر و... به خانواده ای کارگر تعلق نگرفته است. مرگ علیرضا به روشنی سودجویی کارفرمایان و استثمای حریصانه و وحشیانه را در نظام سرمایه داری به نمایش گذاشت. بی شک این اولین سانحه و آخرین آن هم نخواهد بود تا سرمایه داری باقی است این وضع کم و بیش ادامه دارد اما کارگران از کنایه اینگونه ستم ها بی تفاوت نخواهند گذشت آنها با اتحاد و تشکل خویش به همراه زحمتکشان نظام جابرانه سرمایه داری را به زیاده دانی تاریخ خواهند فرستاد.

کارگری که در "ویره" یکی از روستا های اطراف شهریار زندگی می کرد روز شنبه ۹/۱۵ بعد از اینکه خانه اش را به آتش می کشد به علیشا عوض رفته و بسا خوردن سم بزنگی خود را تمهید داد. زن این کارگر که خود در یکی از کارخانجات کفش ملی کار می کند می گفت "در نتیجه بیکاری و فقر و فلاکت دچار بیماری روانی شده بود."

سرانجام، فشار مالی روز افزون با تشدید بیماری او را به این عمل واداشت. اما کارگران باید بدانند که راه مبارزه با سرمایه داران خودکشی و دادن میدان بدست آنها نیست بلکه باید با اتحاد و تشکل و مبارزه پیگیر نظام جابرانه سرمایه داری را بر سر انداخت.

* * *
روز پنجشنبه ۹/۶ عبدالله بلوی کارگر پالایشگاه نفت اصفهان در اثر نبود وسایل ایمنی کارخان خود را از دست میدهد. او در حالیکه مشغول تعمیر هواکش یکی از قسمتها بوده در اثر خروج ناگهانی مقدار زیادی گاز از کانال هواکش، تعادل خود را از دست داده و از همان ارتفاع به پایین سقوط می کند، این

سومین کارگری بود که جان خود را به این ترتیب از دست می داد. عبدالله که دو فرزند هم داشت تنها نسل آن اور خانواده بود. اکنون آنها چه باید بکنند؟ چه کسانی عامل اینگونه فجایع می باشند؟ هر روز که می گذرد کارگران به تریبی می برند که نظام سرمایه داری ریشه تمام این مصیبت ها است. آنها می بینند با اینکه اینگونه حوادث شوقور وجود دارد اما سرمایه داران و دولتیان حامی آنها هیچگونه اقدام جدی در این زمینه بعمل نمی آورند. مثلاً در همین پالایشگاه اصفهان این اتفاق تا کنون ۳ بار وقوع پیوسته و مسئولان بی شرم پالایشگاه و اربابان آنها گویی ککشان هم نگزیده است. هر روز که می گذرد کارگران به تریبی می برند که این چنین واقعه هایی در انتظار آنها نیز هست و حاکیست موجود خدمتگزار سرمایه داران است، آنها پی می برند که تنها اتحاد کارگران در مبارزه علیه سرمایه داران و حاکمیت حامی آنان راه چاره است. مبارزه ای که باید از تلاش برای بهبود شرایط کار شروع شده و تا نبودی نظام سرمایه داری ادامه یابد.

مبارزه کارگران ایرالکو...

بقیه از صفحه ۳
محاکمه شوند، ما را نیز باید محاکمه کنید." غریب حق طلبانه و یکپارچه کارگران سرمایه داران و حامیان آنها را به لوزه انداخت. سرانجام، پس از چند روز مبارزه، اعضای اخراجی شورا در میان هیاهوی شادی کارگران به کارخانه بازگشتند. ولی توطئه های سرمایه داران برای اخراج کارگران مبارز همچنان ادامه دارد. کارگران آگاه و مبارز ایرالکو میگویند: "آنها (مدیرعامل، دادستان، انقلاب، امام جمعه، استاندار) همه ضد کارگران و زحمتکشند."

کارگران پیشرو اعتقاد دارند رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران هرگز از هیچ حیل و نیرنگی برای زخم پاشیدن شورا های واقعی کارگران فروگذار نمی کنند و وقتی نتوانستند شوراها را منحل کنند اکنون کوشش میکنند به هزار دسیسه، شورا های فرمایشی و دست آموز خود را بجای شورا های واقعی کارگران بنشانند. ولی طبقه کارگران با مبارزات پیگیر خود با آگاهی ای که از ضرورت وجودی شورا های واقعی خود دارد هر روز در برابر توطئه های سرمایه داران ایستادگی کرده و نقشه های شوم آنان را افشاء میکند و متحذاز شورا های انقلابی خویش دفاع میکند.

پرطنین تر باد غریب حق طلبانه کارگران کارخانه آلومینیم اراک به پیش! شورا های انقلابی کارگران

اخباری چند از...

بقیه از صفحه ۳
ساعت اضافه کاری روزانه، حذف حقوق جمع را دوبرابر دریافت دارند. نمایندگان شوراها با این طرح موافقت کردند اما مدیرفنی و روسای تعمیرگاهها حاضر به قبول این طرح در آن جلسه نشدند و قرار شد که روز بعد مدیرفنی جواب را توسط روسای تعمیرگاهها ابلاغ نماید. روز بعد مجدداً روسای تعمیرگاهها طبق دستور مدیریت خواستار اجرای طرح دوشیفتی کار شدند که با مخالفت جمعی کارگران و شوراها روبرو شد و در بعضی از تعمیرگاهها درگیری شدید لفظی برسر این مسئله پیش آمده و کارگران در سالن ناها رخوری اجتماع کردند. در مقابل اعتراض و مقاومت یکپارچه کارگران مدیریت مجبور شد با پیشنهاد شوراها موافقت نماید.

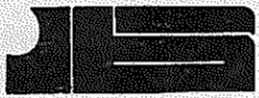
مدیریت شرکت واحد بنا به هیئت ضد کارگری خود همچنان به توطئه هاییش ادامه میدهد. در هفته گذشته بدنبال شکست طرح دوشیفته کردن کارخانه حیل جدیدی متوسل شد. در طرح جدید مدیریت عوامفریبانه به کارگران پیشنهاد کرد که اگر چنانچه بیشتر کارکنند تا سطح فروش را بالا ببرند در ازای هر یک میلیون تومان ۱۰٪ آن به کارگران تعلق میگیرد. مدیریت با این حیل موفق شد در بعضی از قسمتها بطور غیر مستقیم همان طرح دوشیفت کردن کار را پایا ده کند. او که همچون روبیسه مکارانه برای رسیدن به اهدافش طرحهای گوناگونی میزید توانست با این حقه که اولاً سودا ربا بان خود را افزایش میدهد، ثانیاً اینکه معلوم نیست چه رگانی با بد در آمد کل شرکت را حساب کرده و ۱۰٪ آن را تعیین نماید،

هیئت حاکمه عناصر...

بقیه از صفحه ۳
مشخص ضد کارگری آشکارا اراده واحد کارگران یکی از قسمت ها (با جمع کردن ششصد مضا) از کارخانه اخراج میگردد. اما هیئت حاکمه وی را بعنوان یکی از مسئولین سازمان گسترش مجدداً بکار میگیرند و هتنگامی که کارگران مبارز با کسب شده به سازمان گسترش مراجعه میکنند با وی روبرو میشوند. "یکتا" به کارگران میگوید: "شما خیال کردید دیکتا توری پرولتاریا را در کارخانه ها پیاده میکنید، شما نمیدانستید که ریش و تسبیح میتواند شما را بشود" اکنون کارگران دریا فته و هر روز بیشتر درمی یابند که هیئت حاکمه مدافع سرمایه داران در حالیکه دست باخراج کارگران و زحمتکشان مبارز میزند، عناصر ضد کارگران را به پستهای بالاتر ارتقا میدهد. اما بد نیست "یکتا" نیز به همراه تمامی سرمایه داران و عواملشان بداند هتنگامی که کارگران در حزب واحد خود متشکل شده و در یک انقلاب کارگری قدرت سیاسی را بدست آورند و زمانی که دیکتاتوری پرولتاریا پایا ده نمایند اراده کارگران است که بر همه چیز حاکم خواهد بود.

کارگران فریب دهنده و بخوبی میدانند چگونه از حیل های نظام سرمایه داری برای استثمای بیشتر کارگران استفاده کند. اکنون اکثریت کارگران به ما هیئت این طرح پی برده اند و بی آن مخالف میباشند. اما بدلیل مختلف از جمله ترس از اخراج تا کنون به حرکت اعتراضی متشکل و منبجمی دست نزده اند. ولی زمره های ناراضی از هر سو یکوش میبرند

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است!



و "گول خوردن" دوروی یک سکه اند
و از یک تفکر نشئت میگیرند. تفکری که
نه میخواهد و نه می تواند آگاهانه باشد.
مستقل برای طبقه کارگر قائل باشد.
چون طبقه کارگر آگاه و با صف مستقل
خود مدار از روزگار اینان در خواهد
آورد.

صحت زواریه ای زیاد طول نکشید
رانندگان وقتی در گفتار و خواسته های
خود را نیافتند بتدریج متفرق شدند.
او که از این موضوع بشدت عصبانی
بود، سعی کرد هر چه زودتر حرفش را
تمام کند. بالاخره در پایان قول داد که
به کلیه خواسته های رانندگان رسیدگی
کند. همچنین قول داده شد که مدتی
عالم شرکت عوض شود، هر چند که هنوز
تصمیم جدی در این مورد گرفته نشده
است. با بازگشت همکاران از خارج
رانندگان به میان آنها تحصن موقتی
پایان یافت. اما رانندگان و دیگر
زحمتکشان منطقه شرکت واحد همچنان
بر خواسته های خود مصرند.

رانندگان و کمک رانندگان، کارگران
تکنسینها و زحمتکشان تعمیرگاههای
شرکت واحد توبوسرانی!

در شرایطی که دارو دسته لیبرالها
فریبکارانه سعی دارند از مبارزه برحق
رانندگان شرکت واحد بنبذ خود استفاده
نمایند، از طرف دیگر حزب جمهوری
اسلامی با دفاع از مدیریت می کوشد تا
کارگران را ضد انقلابی معرفی کند.
بیش از هر زمان دیگر باید کوشید تا
چهره ضد کارگری لیبرالها به رهبری بنی
صدر پوشیده نماند. از سوی دیگر "هندی"
مدیرعامل شرکت میگوید "این دهمین
اعتصاب و تحصنی است که در این دو سال
اتفاق افتاده است و تاکنون همه را
مهار کرده ایم."

(۴ روزنامه جمهوری اسلامی)
براستی که در این مورد حق با
اوست. آنها حتی موفق شدند به هر
حیلای بوده، اعتصاب اخیر را نیز
"مهار کنند". از زمانیکه "هندی"
مدیرعامل این شرکت شده است، فشار
و ستم وارده بر کارگران دوچندان
گردیده است. باید توجه داشت که هندی
خود نیز یک مهره نظام سرمایه داری -
بیشترینست، و در شرایط کنونی تنها
تشکل کارگران در شورا های انقلابی
بهترین راه مقابله با نظام سرمایه
داری و عوامل آنها در کارخانه ها است
با تقویت و انقلابی کردن شورا های
کنونی بکوشید تا کارگران مبارز
و اخراجی را برگردانند. و هندی، مدیر
عامل ضد کارگر شرکت واحد را اخراج
کنید.

شورا های انقلابی مانع خود -
سریهای مدیران دروا حدها خواهند شد.
"هندی" و امثال او اگر با یک شورای
انقلابی روبرو بودند هرگز نمی توانستند
اعتصابهای برحق کارگران را "مهار
کنند".

دیگر نباید فریب وعده و عیدایین
استگما رگران را خورد. متحد شوید!
مبارزه کنید! و پیروز شوید!

تحصن رانندگان شرکت واحد مشت محکمی بر دهان پاوه گویان

دیگر مدیریت سعی کرده بود ایمن
حرکت کارگران را فقط در رابطه با
اخراج علی رازانی از شرکت واحد و
این تحصن را توطئه او و تعدادی معدود
معرفی کند، در این مورد یک سببی از
کارگران میگفت: "در اینجا مسئله
علی رازانی مطرح نیست بلکه اعمال
قدرت کارگران مطرح است، ما باید
حقمان را بگیریم". همه جا بحث
در گرفته بود نفرت از هندی و حزب
جمهوری اسلامی حامی او هر لحظه
افزایش می یافت.

ساعت ۵ بعد از ظهر بود که اعلام
شد آقای زواریه ای جانشین شهردار
تهران برای صحبت کردن آمده است.
پس از آمدن وی در بین رانندگان یکی
از آنها خواسته های کارگران را چنین
مطرح کرد:

- ۱- اخراج "هندی"، مدیرعامل و هیئت
مدیره از شرکت واحد.
- ۲- بازگشت علی رازانی به شرکت.
- ۳- ۱۲ نفر از کارگران اخراجی باید به
کار خود بازگردند.
- ۴- پس از پایان اعتصاب تضمین شود
که کسی اخراج نگردد.

رانندگان زحمتکش شرکت واحد پس
از طرح خواسته های خود با دادن شعارهایی
مانند مرگ برهندی... هندی اعدام
باید گردد... خواستار رسیدگی به
خواسته هایشان شدند.

پس از آن زواریه ای شروع به صحبت
نمود. طبق معمول کلی گویی ها شروع
شد. اینکه "ما چه رنجها کشیدیم" اینکه
"انقلابیان اسلامی بود". اینکه "قدرت
شهید دادیم" و دهها مورد دیگر از این
قبیل و... برای رسیدن به اینکه
الان نباید اعتصاب کنیم. او که متوجه
شده بود از اینکه به کارگران ستون پنجم
دشمن نسبت داده شده نا را حتمند، گفت
"شما نمی توانید ستون پنجم دشمن باشید
ولی چند لحظه بیشتر نگذشته بود که
ادامه داد... اما شما را می توانند
گول بزنند". به این ترتیب مشت او
نیز نزد رانندگان گشوده شد. او هم فقط
میخواست به ترتیبی شده اعتصاب
را بشکند. وقتی نتوانست از اتهام
"ستون پنجم" استفاده کند، از "گول
زدن" کارگران استفاده کرد. و بیه
این ترتیب رانندگان را مبارز شرکت
و احداث احداث آگاهانه ساده لوح و
هالوپائین آورد. ستون پنجم بدون

عصره شنبه ۵۹/۱۰/۲ رانندگان منطقه
شرکت، واحد در پارکینگ کوی کن دست
به تحصن میزنند. در فردای تحصن تعداد
رانندگان به بیش از هزار نفر می رسد.
خود ۵ نفر از کارگران فنی بر روی
مقوایی حمایت خود را از "خواسته های
برحق رانندگان" اعلام می دارند.
تحصن رانندگان بیش از یک شبانه روز
قهرمانانه ادامه می یابد. "زواریه ای"
جانشین شهردار تهران برای شکستن
اعتصاب وارد میدان می شود. پس از
مدتی تلاش برای فریب رانندگان موفق
نشده و ناچار متعهد می شود که کلیه
خواسته های رانندگان را برآورده سازد.
از طرف دیگر با بازگشت علی رازانی یکی
از همکاران اخراجی رانندگان، تحصن
با موفقیت نسبی و مشروط به برآورده -
شدن خواسته هایشان پایان یافت.

فشار بیش از حد و زورگویی های مدیریت
شرکت واحد برای کلیه کارکنان شرایط
طایقت فرسایی را ایجاد نموده است. اگر
زحمتکشان مناطق ۱، ۲، ۳ شرکت واحد،
چند ماه پیش برای جلوگیری از توطئه -
های "علی رضا هندی" مدیرعامل شرکت
واحد چند روز متوالی پس از تمام
کارشان تحصن نمودند، اینبار
کارکنان منطقه ۴ بر علیه مدیریت بپا
خواستند.

مدیرعامل شرکت برای شکستن
تحصن رانندگان ابتدا سعی می کند از
رانندگان شرکت نفت و جاهای دیگر
استفاده کند. اما وقتی موفق نمی شود
به ژاندارمها و پاسداران متوسل
می شود. در این بین آخوندی هم برای
سخنرانی می آید (آنها طبق معمول سعی
می کنند از هر دو شیوه فریب و سرکوب در
اینجا نیز استفاده کنند) آخوند شروع
به صحبت می کند. آسمان و زمین را
بهم می یافد. هر چه آیه در ذهنش است
بکار می گیرد. اما موفق به فریب
رانندگان نمی شود. و بالاخره عاجزانه
میگوید: "جان امام خمینی از این جا
بروید موقعیت حساسی است". اما فشار
کمر شکن زندگی از یک طرف و توطئه های
مدیریت از طرف دیگر آنچنان وضعی
برای رانندگان بوجود آورده که دیگر
این حرفها اثر خود را از دست داده اند.
آخوند می رود. خشم و نفرت در رانندگان
متحصن موج می زند. در محوطه
پراکنده اند. پاسداران و ژاندارمها
نیز به جولان در می آیند. هر لحظه انتظار
درگیری می رود. اما هنوز از بلا دستور
سرکوب نشده اند. ساعت ۲ بعد از ظهر
است. روزنامه اطلاعات بدست
کارگران می رسد. مطلبی در مورد
اعتصاب کارگران نوشته است.
رانندگان با اشتیاق کپه کپه به
خواندن روزنامه مشغول می شوند. اما
مگر یکی از ارگانهای رسمی جمهوری
اسلامی چه می تواند در این باره نوشته
باشد؟ بلکه کارگران (ستون پنجم
دشمن آمریکایی) قلمداد شده بودند.
این مطلب که از طرف هیئت مدیره به
روزنامه داده شده بود، خشم کارگران
را به اوج رسانید. داد و فریاد همه بلند
شده بود یکی از کارگران با تمسخر
میگفت: "بچه ها فردا موهای سرتان
را حنا بگذارید تا لاق از نظر ظاهر
مانند آمریکایی ها باشیم!!" از طرف

هردم از این باغ...

بقیه از صفحه ۱

طرح سؤال یکی از نمایندگان مجلس در جلسه چهارشنبه ۱۸ دیماه از دولت در مورد مسئله مربوط به خریدن و های جنگی از دولت انگلیس، و پاسخها مبنی بر سوتن نماینده دولت در برابر اینکه این قراردادها در زمان رژیم سابق بسته شده ما آنها را ابقاء کرده ایم گوشه دیگری از سیاستهای این دولت با اصطلاح "ضد امپریالیست" را برای توده های مردم افشا کرد و نشان داد که میان ضد امپریالیست بودن در حرف و ضد امپریالیست بودن در عمل چه فاصله عمیقی وجود دارد. سلسله سران امپریالیست اندو مدام برای فریب توده های مردم شعارهای ضد امپریالیستی میدهند، در عمل به امپریالیسم خدمت کنند، یعنی قرار - دادهای اسارت با ر ا ابقاء می کنند میلیاردها ریال کالا و سرمایه وارد

می کنند، سفارشات پیدرپی خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی میدهند. و این همه در شرایطی صورت می گیرد که زحمتکشان میهن ما زیر فشار های متعدد اقتصادی، بیکاری، - گرانی، کمبود ما یحتاج زندگی و تحمل با رور شکستگی مالی دولت قرار دارند. دولت از توده های ما خواهد که بیخاطر مبارزه با امپریالیسم، اینهمه فشار و بدبختی را تحمل کنند، ما آنها را هر چند وقت یکبار که گوشه ای از سیاستهای دولت افشا می شود، می بینند که میلیاردها ریال ثمره تلاش و کار آنها در دست بحیب همان انحصارات - امپریالیستی سرازیر می شود که آنها فکر می کردند بیخاطر مبارزه با آنها باید مشکلات را تحمل کنند. توده های پی می برند که دولت می گوید کارگران بیشتر تولید کنند تا ثمره کار شما بحیب سرمایه داران داخلی و انحصارات جهانی برود. دهقانان بیشتر جبران بکنید تا جیب سوداگران اسلحه انگلیسی و آمریکائی پر شود، کسبه و

خرده تولید کنندگان، کارمندان، معلمین و محصلین تمام معائب و مشکلات را تحمل کنید تا دولت جمهوری اسلامی میلیاردها ریال برای خرید ناوهای جنگی، قطعات و تجهیزات و لوازم بدکی و غیره و غیره بحیب سرمایه داران جهانی سرازیر کند، ما یقین داریم که هنوز بسیاری قرار - دادهای اسارت با ر بین دولت جمهوری اسلامی و دولت های امپریالیستی وجود دارد و در آینده نیز شاهد روشن شدن باره ای از آنها خواهیم بود. بنا بر - این به توده های زحمتکش، به کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری می گوئیم برخلاف ادعاهای جمهوری اسلامی ثمره کار و کوشش شما بحیب سرمایه داران داخلی و انحصارات - جهانی می رود، دولت جمهوری اسلامی در حرف ضد امپریالیست است نه در عمل بنا بر این این دولت شایسته هیچگونه اعتمادی نیست، بآن اعتماد نکنید زیرا که شما دروغ می - گوید و برخلاف منافع و مصالح شما قدم بر میدارد.

بخشی از اعلامیه:

درافشای سازشکاران و فرصت طلبان "کمیته مرکزی اکثریت" کوشا باشیم

...خرده بورژوازیانه ای "کمیته مرکزی" سازمان (اکثریت) اینگونه با زتاب می شود که این حاکمیت ملی و مترقی است. اپورتونیسیم حاکم بر سازمان که توان و موضع طبقاتی اش اجازه در یافت حقیقت را از واقعیت مبارزاتی با و نمی دهد، زنجیر استثماری کارگران را در دست گرفته و با تشویق به تولید بیشتر و مصرف کمتر زحمتکشان را به قربانگاه امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش، سرمایه داران وابسته، میراند. او میخواهد امپریالیسم را درواپسین لحظات مرگ جهانیش به بستربیماری بکشد، و بقول خودش فدائیان را به دشمنان خلق در آمیخته و چاکرانه سازش و برخلاف ذهنیت خود یکی یکی پس میگیرد، از دولت بازرگان، از سفارت آمریکا، سوطه کودتا، تا جنگ میهنی اخیر را و هیچ ککی هم او را نمی گذد، حق هم دارد زیرا بقول مردم گفته، هم رفیق دزد است و هم شریک قافله اوقتی - مقاومت خلق کردیسک شبه جنگ افروزی قلمداد شود، چه تعجب از چرخش صد و هشتاد درجه ای صدر نشینان "کمیته مرکزی"

همشهریان مبارز، هواداران، کارگران، زحمتکشان رنج دیده! حدود بیست ماه از حاکمیت دولت موجود میگذرد، در این مدت ما هیت واقعی دولت، نمودهای خود را در شهر شما از زحمتکشان نشان داده اند، کشتار مردم قشم در فاصله چند روز بعد از قیام خلق، به زندان فرستادن کارگران مبارز اسکله و حضور مسلح سپاه پاسداران در محیط کار اسکله، حمله به تحصن کارگران شهرداری و دستگیری نمایندگان و مقاومت کارگران تا آزادی آنها، بیورش به دانش آموزان و معلمان مبارز در آموزش و پیشرویش و دستگیری نزدیک به ۸۰ تن دانش آموز معلم، اخراج و تصفیه عناه مبارز و آگاه آموزش و پرورش در سطح استان، در کنار انگشت شماری ساواکی، تنها جمشیا نه به کارگران بیکار و متحده در استاننداری و به بند کشیدن پنجاه شصت تن از کارگران بجرم خواسته ای ابتدائی شان یعنی کار، کشتار خونین سال گذشته بندر لنگه بوسیله پاسداران و کمیته جی های شهر، انحلال صنایع فولاد و پراکنده کردن کارگران و کاکنان آن، تعقیب و دستگیری نوجوانان، جوانان، کارگران شهر بجرم پخش اعلامیه و فروش نشریه و دفاع از حقوق زحمتکشان، گرد آوردن تاجران و غارتگران با زار در کمیته مور صنفی جهت هر چه بیشتر چابیدن مردم، برچیدن بساط دست فروشان کپرنشین شهر (بلوار) انحلال سندیکای کارگران شرکت ایتالیائی "ایتال کنتراکتورز" به حمایت از شرکت های خارجی چند ملیتی جهت غارت هر چه بیشتر خلق ستم دیده ایران.

درست همزمان با شروع جنگ ایران و عراق، پاسداران کمیته گشت دریا موتور لنج حامل مسافران زحمتکش بخش سیریک از توابع میناب را به گلوله می بندند که منجر به کشته شدن دوزن زحمتکش و زخمی شدن تنی چند از مسافران میشود و بعد سپاه پاسداران خبر جعلی حادثه را با عنوان "دوقا چاقی در حین فرار کشته شدند" (روزنامه جمهوری اسلامی - دوشنبه ۵۹/۷/۲) پخش میکند. تبلیغات غیر انسانی بر علیه هموطنان جنگ زده خوزستان که چرا با دست خالی خود را گوشت دم توپ و تانک عراق نکریدید.

براستی هموطنان، همشهریان! این اعمال ما هیت واقعی حاکمیتی ملی و مترقی است؟ مردم می گویند ما که کور نیستیم، هر چه نباشد اقلاکستی های حامل کالاهای امپریالیستی و غارتگران را می بینیم که شبانه روز در این بندر تخلیه میشوند، ما که شاهد حمایت دولت مردان جمهوری اسلامی از سرمایه داران وابسته و سرکوب زحمتکشان و کارگران هستیم.

چرا باید حقیقت وارونه جلوه داده شود؟ ما می گوئیم: این فرصت طلبان (کمیته مرکزی - اکثریت) هستند که با موضع طبقاتی و انحرافات خرده بورژوازیانه خود خیالات خام و خوابهای آشفته می بینند و بنا بر ما هیت متزلزل خود میخوانند بگویند. که خرده بورژوازی سنتی قدرت واقعی را در حاکمیت در دست دارد.

نا بودیاد دجهه سازشکاران و فرصت طلبان
برافراشته با دهرچیم مینارزه ایدئولوژییک
نا بودیاد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - بندر عباس ۵۹/۸/۳۰

مصادره زمین در روستای انبار

روستای انبار حدود ۱۰ کیلومتر از دهقانان که حدود پنجاه تا شصت خانوار آن دهقانان فقیر، میان حال و مرفه و چهل خانوار آن خوش نشینان هستند. این روستا در حدود بیست کیلومتری بوکان قرار دارد و از حداقل امکانات از قبیل برق، لوله کشی و مدرسه برخوردار است. بیشتر زمینهای حاصلخیز این روستا متعلق به سمسور علیار، حسین علیار و گلای علیار است. در تاریخ دهم آذر توسط شورائی از روستائیان زمینهای این مالکان مصادره شد. ترتیب قضا یا بقراری زیر است:

از سه هفته قبل دهقانان در مسجد تجمع کرده و پیرامون مصادره زمینهای مالکان بحث میکنند و پس از چندین جلسه بحث و گفتگو تصمیم به انتخاب نمایندگان خوش نشینان و دهقانان کم زمین میگیرند که پس از انتخاب نماینده خود در روز نهم آذر اعلامیه ای صادر میکنند و فردای آن را اعلامیه زمینها را تقسیم میکنند. روستائیان در این مورد میگویند که ما مجبوریم برای به دست آوردن لقمه نانی اطراف و اکناف ایران برویم در حالی که ما باید روی زمینهای منطقه خودمان کار کنیم. از این جهت پس از تشکیل شورای دهکده شامل شش نفر میباشند روستائیان به تدارک لازم برای کشت زمین که عبا رتند از تهیه بذرها و زوئیل و تراکتور و غیره می پردازند و متحد و یکپارچه به کشت زمینهای مصادره شده مشغول میشوند. روستائیان میگویند در صورتی که اربابان بخواهند در روستا کار کنند ما به آنها باندازه خودمان زمین میدهم ولی آنها اکنون هیچگونه کاری در روستا ندارند و فقط از دسترنج کار ما استفاده میکنند. هنگام مصادره زمینها تمام دهقانان شعار میدادند "مرگ بر آمریکا مرگ بر فئودال و زمیندار، زمین مال کسانی است که روی آن کار میکنند، مستحکم باد پیوند کارگران و زحمتکشان و با شور و هیجان خاصی به شخم زدن زمینها پرداختند."

خبرهایی از: جنبش مقاومت خلق کرد

هموطنان مبارز خلق دلاور کرد
همانطور که میدانید اکنون بیش از یکسال و نیم از پیروزی انقلاب یعنی پیروزی خلقهای ایران بر استبداد محمد رضا شاه میگذرد. حکومتی که بعد از آن نیز روی کار آمده هیچگاه رویبند زحمتکشان ایران نکرده و نخواهد کرد. از طرف همین حکومت با مصلح جمهوری اسلامی، کردستان عزیز ما مورد حمله و محاصره اقتصادی قرار گرفته است. از این روستا خوش نشینهای قریه "انبار" که راه شهرهای بزرگ و صنعتی بهر روی ما بسته شده و هیچ منبع درآمدی برای امرار معاش نداریم. تصمیم به مصادره زمین فئودالها گرفته ایم. (تیا دورمی شود که هیچکدام از فئودالها در زندگی نمیکنند.) ما تصمیم خود را در مورد مصادره زمین فئودالها در ساعت ده صبح روز ۱۵/۹/۵۹ (فردا) اجرا میکنیم. بنا بر این ما خوش نشینان قریه انبار از تمام زحمتکشان سراسر کردستان و تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیست تقاضا میکنیم که از ما پشتیبانی کرده و ما را در اجرای این کاری کنند تا با اتحاد و یکپارچگی خود مشت محکمی بر دهان تفرقه اندازان و پشتیبانان فئودالیسم بکوبیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلیشان تا بود با دپایه های کهنه فئودالیسم در سراسر ایران هر چه گسترده تر باد پیوند زحمتکشان سراسر ایران از طرف شورای خوش نشین های قریه انبار
۱۳۵۹/۹/۹

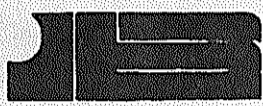
مصادره زمین

در روستای امیرآباد بوکان

در این روستا ده خانوار زندگی میکنند که چهار خانوار آنها بی زمین هستند. در تاریخ یازدهم آذر در این روستا یک شورای سه نفری تشکیل میشود که دو نفر از آنها از دهقانان زمیندار و یک نفر بی زمین میباشد. مالک زمینهای این روستا سلیمان علیار است که چهار رده کتا زمین دارد. دهقانان این روستا که با مصادره

آزاد نمودن زندانی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مها با داد اعلام نموده که سربا وظیفه جلال کرکریان را که مدتی قبل در حبس ما موربت نظامی دستگیر نموده بود پس از مدتی بعلت اینکه وی تنها مجبوری دستورات فرماندهان و گردانندگان ارتش ضد خلقی بوده، قابل عفو تشخیص داده و او را آزاد کرد. از این سرباز سعادت با طری بی سیم مصادره شده است.



رژیم جمهوری اسلامی وضعیت آنرا از گذشته بدتر نموده است خواهان مصادره زمینهای مالکان میباشد. در روز دوازدهم آذر، شورای سه نفره روستا تصمیم گرفت زمینهای سلیمان علیار را بین دهقانان تقسیم کند. روستائیان با شعار اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد، بسوی زمینها حرکت در آمدند و ضمنا همراه خود مقداری بذر گندم و جو و چند تراکتور داشتند و زمینها را مصادره کردند. دهقانان میگفتند که اگر زمین مال ما باشد بهتر کار میکنیم و میتوانیم بیشتر به جنبش مقاومت کمک نمائیم. در همین روز سعید علیا رهبر مالک ده، به روستا می رود و زحمتکشان روستا را تهدید میکند که اگر زمینهای روستا را تقسیم نکنند، ما را با شمشیر میزنیم و میگوییم: با روستا ملی جنبش مقاومت برشانه ما است و ما علیه هرگونه ظلم و تعدی ایستادگی میکنیم و از زمین که متعلق بخود ما است دفاع میکنیم.

درگیری در روستاهای اشنویه

ارزشیان و پاسداران که قصد سرکوب با زهم بیشتر روستاهای اطراف مها جاد را داشتند در تاریخ دهم آذر بمسئول روستای "لاچین" حرکت کردند که با مقاومت مسلحانه و یکپارچه مردم و پیشمرگان حزب دمکرات روبرو شدند. پس از کشتار فوج روستای ایندرفاش، روستائیان آموختند که مقاومت یکپارچه و همکاری صمیمانه آنها با پیشمرگان مانع تعرض گسترده سرکوبگران خلق گردد خواهد شد. در روزهای پنجم و ششم آذر توسط فانتومها و هلی کوپترهای ارتش جمهوری اسلامی، دهات اطراف اشنویه شدیداً مورد حمله قرار گرفت که تعداد زیادی مردم بی دفاع شهید شدند و تعداد زیادی خانه های زحمتکشان خراب شد. همچنین روستای "پی گدله" بکلی ویران شد. در این رابطه هوا داران سازمان در اشنویه با ترتیب دادن نمایشگاههای عکس و برقراری سخنرانی های مختلف، ایمن جنایت را برای مردم افشا کردند. پانزده تن از قاچاقچیان شهر بوکان بوسلبه پیشمرگان کومله و با همکاری مردم دستگیر شدند. از این عده یک کیلو بقیه در صفحه ۸

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

ونیم هروئین ومقداری سلاح کمربی به دست آمده است. این اقدام انقلابی رفقای کومله مورد پشتیبانی مردم قرار گرفت. ۵۹/۹/۱۲

همکاری قیاده موقت ارتجاعی با پاسداران

در تاریخ چهارم آذر پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران به مقر سپاه پاسداران در اطراف اشنویه حمله کرده و در این حمله دونفر از افراد قیاده که با پاسداران همکاری میکردند کشته و بیش از هجده نفر از آنها زخمی شدند. در این حمله توسط پیشمرگان قهرمان، مقدار قابل توجهی سلاح بدست آمد. دوروز بعد از این درگیری افراد سپاه پاسداران با همراهی قیاده موقتی های ارتجاعی، به دره الیاوه شیخان حمله کرده و سه نفر از اهالی بی دفاع مزبور را شهید کردند.

خبرهایی از جنبش

مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه ۷

گرامی باد یاد

شهدای جنبش خلق کرد

رفیق "مختار" پیشمرگه فدائی، عضو تشکیلات پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در درگیری که روز هجدهم آذر در روستای بهرام آباد مریوان رخ داد شهید شد. این درگیری بین پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سپاه مزدور رژیم سرخلع سلاح این مزدوران صورت گرفت. یادش گرامی باد

شهادت سه روستائی

سه نفر از روستائیان زحمکش روستای برده زرد از توابع بوکان که برای تهیه ارزاق مورد نیاز عازم سقز بودند مورد یورش پاسداران و ارتش ضد خلقی قرار گرفتند و بدون دفاع شهید شدند.

مراسمی در تاریخ هجدهم آذر در این روستا برگزار شد. در این مراسم پیام دفتر بوکان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که بوسیله نمایندگان دفتر که به روستا اعزام شده بودند قرائت شد. در این پیام سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی افشا و بسا خانواده شهدا اظهار همدردی میشود.

بوکان - روستای خمامیان

دو نفر از تفنگچی های ارباب ده - خمامیان بنام (معروف ایلخان زاده) برای جلوگیری از استفاده از درختهای

زمینهای این ارباب که روستائیان آنها را مصادره کرده اند، میخواستند در مقابل مردم بایستند که روستائیان هردو را خلع سلاح کردند و در حال حاضر از اسلحه آنها برای نگهبانی ومحافظت روستا در شب استفاده میکنند. ضمناً روستائیان هردو آنها را آزاد کردند.

سخنرانی در روستاها

در تاریخ ۵۹/۹/۲۰ یکی از رفقای فدائی در روستای احمدآباد از توابع بوکان طی یک سخنرانی که مورد توجه واستقبال مردم قرار گرفت مواضع سازمان را تشریح نمود. در این سخنرانی موضع سازمان

میشود مردم همه خوشحالند و یا ما این قدر با مهربان عمل میکنند و کینه می ورزند؟

بیشتر دانش آموزان انقلابی باین سوال اینطور پاسخ میدادند که این عمل کرد شماست که مردم را از شما متنفر میکنند زیرا پیشمرگان برای ما صلح وآزادی می آورند و شما توپ وخمپاره لازم به تذکر است که هواداران "کمیته مرکزی" و حزب توده و کنگره چهارم در یک طومار با صد و چهل امضا خواسته اند مبارزات دانش آموزان را تنها به خواسته های صنفی محدود کنند و فقط خواهان بازگشایی مدارس هستند. اما حرکت انقلابی دانش آموزان سقز این سیاستها را هر چه بیشتر افشا میکند.

رژیم جمهوری اسلامی باز هم جنایت آفرید

رژیم جمهوری اسلامی باز هم جنایت آفرید روز ۱۷/۸/۵۹ ساعت ۷/۵ صبح ارتش پاسداران ضد خلقی همراه با بسیج مستضعفین وهمکاری ارتجاعیون محلی دهکسده صوفیان را محاصره کردند و حمله وحشیانه ای به روستائیان نمودند در این درگیری سرکوبگران خلق کرد با تانک، توپ و... و تعداد زیادی پاسدار و ارتشی شرکت داشته و سیزده نفر را شهید و بیست و یک نفر را مجروح نمودند. اسامی شهدا طبق اطلاعیه هواداران سازمان در اشنویه بقرار زیر است:

- ۱- ما موستا ملاحسین هاشمی شصت ساله که موردا عتماً دتما اهالی منطقه بود و او را یک روحانی میا رزمیشناختند
- ۲- سید حسن فرزند سید رحیم سی ساله شغل کشا ورز صاحب زوجه فرزند
- ۳- عبدالرحمن افراسیا بی ۵۵ ساله شغل دار، فرزند بزرگش سی ساله که خود بهندین جنگ علیه سرکوبگران خلق کرد شرکت کرده بود.
- ۴- ابوبکر قاضی زاده سی ساله صاحب زن و دو فرزند که سرپرستی خانواده را برعهده داشت و تمام رنج زندگی بدوش او بود.
- ۵- حسن کوردشمسی ۴۵ ساله، خوش نشین.
- ۶- سید طه توحیدی ۲۵ ساله که مدت ۴ سال معلم روستا بود.
- ۷- سید زلیخا توحیدی خواهر سید طه ۴۵ ساله، این زن بخاطر اینکه برادرش کشته نشود او را در آغوش گرفت ولی پاسداران سرما یه خواهر او را در آغوش هم با رگبار گلوله زد ۳ بشهادت رساندند. نام برده قبلاً شوهر خود را از دست داده و دو فرزند داشت.
- ۸- حاجی حسین خضریور معروف به حاجی مراد، هفتاد ساله، کشا ورز صاحب همسرو یا زده فرزند.
- ۹- شیخ محمد خضریور فرزند حاجی

پیرامون حاکمیت، جنگ ایران و عراق مساله انشعاب، جنبش مقاومت و... ماهیت خائنه جریانات بختیاریم و رادیهوای وابسته بدان، مساله فرهنگ و مدارس، مساله زن صحبت شد. ضمناً پس از سخنرانی جوانان روستائی آموزش سلاح دیدند. این سخنرانی ها در چند روستای دیگر نیز انجام گرفته است.

راهپیمائی دانش آموزان سقز

دانش آموزان انقلابی سقزی یک راهپیمائی اعتراضی که روزیازده آذر برگزار شد، نفرت و انزجار خود را از جمهوری اسلامی و سرکوبگران خلق کرد با شعار دانش و پیرویش تا میدان "هدلو" برگزار شد، حدود هشتصد نفر دانش آموز در خود جمع کرده بود. بیشتر آنها دانش آموزان دختر بودند. در این راهپیمائی که مورد هجوم جاش های مزدور و پاسداران سر- مایه قرار گرفت تعداد سه دانش آموز زخمی و حدود صد نفر دستگیر شدند.

این دستگیریها موردا اعتراض مردم قرار گرفت و روز پنجشنبه سیزده آذر خانواده ها وبستگان زندانیان در جلو محل سپاه پاسداران تجمع کرده و خواهان آزادی دانش آموزان شدند. در این موقع ارتجاعیون وابسته به رژیم یک نارنجک

بمیان مردم پرتاب کرده که منجر به شهادت دو نفر و مجروح شدن دو نفر دیگر گردید. پاسداران از وحشت اعتراض گسترده مردم، تمام دانش آموزان زندانی را آزاد کردند. پاسداران ضمن بازجویی از دانش آموزان از آنها می پرسیدند که چرا هرگاه که شبها یک پیشمرگه وارد شهر

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

رژیم جمهوری اسلامی

خانه‌های "خارج از محدوده" تبریز را خراب میکند!

آلونک نشین‌های حاشیه شهر تبریز روز بیست و هفتم آذر مورد حمله و بیورش پاسداران جمهوری اسلامی و نمایندگان شهرداری و بنیاد مسکن قرار گرفتند و آلونک‌ها نشان با بولدوزر بر سرشان خراب شد. ما جرایم مثل جرایم خارج از محدوده است که در زمان شاه منفسور رخ داد و سرآغاز جنبش توده‌ای عظیمی شد که سرانجام سلطنت را به زیاده‌دانی تاریخ سپرد.

حاشیه نشینان تبریز، در دامنه کوه‌ها و تپه‌های شمالی تبریز که به کوه‌های عینال و زینال مشهورند، در میان تپه‌های کوچک و بزرگ آلونک‌های محقری پراکنده‌اند. ساکنین این آلونک‌ها عموماً از بی چیزترین و فقیرترین مردم تبریز هستند که برای امرار معاش خود به کارهایی نظیر قالباپی و فعلگی و دست‌فروشی اشتغال دارند.

زمینهای این منطقه متعلق به زمینخوار جمهوری بنام "تولکوچی" است که آنرا متری چهل تومان به شخصی بنام "قجرچی" فروخته بود، بر سر این معامله بین دو زمینخوا را اختلاف بروز می‌کند و کار به شکایت میرسد و دولت جمهوری اسلامی هم که همیشه حامی منافع زمینداران و سرمایه‌داران بوده است راه حل اختلاف بین این دو را در تخریب خانه‌های زحمتکش می‌بیند تا شاید بتواند زمینها را به صاحبان شرعی! و قانونی! آن در جمهوری اسلامی برگرداند.

پیرمردی از ساکنین زحمتکش این منطقه "خارج از محدوده" تبریز در حالی که با دستمال کهنه خود، اشک چشمش را پاک میکرد میگفت "تنها نان آورما پسرم بود که الان در جبهه جنگ مشغول است، غافل

به دستور بنی صدر...

بقیه از صفحه ۱۶

هایش نسبت به سیاستهای سرکوبگرانه و خشونت با رجحان طرفدار حزب جمهوری اسلامی، خود را فردی آزاد بخواه و طرفدار مردم جا بزند، (تا بتدریج جناح رقیب را کنار زده و مشخصاً "قدرت حکومتی را در دست بگیرد) و برآستی که در این وانفسا توانسته است با تبلیغات عوام‌فریبانه‌اش توده‌های وسیعی از مردم ناآگاه را (همراه با سرمایه‌داران آگاهی که کاملاً به منافع طبقاتی خویش واقفند و بدرستی از بنی‌صدر حمایت می‌کنند) فریب داده و بی‌سعه طرفداری از خویش بکشانند.

ما تاکنون بارها و بارها ما هیئت لیبرالی تفکر بنی‌صدر را در رابطه با سیاستها و اقدامات گوناگونش (از قبیل سرکوب خلقها، حفظ سیستم اقتصادی سرمایه‌داری وابسته، احیاء ارگانهای ضد خلقی رژیم شاه) افشاء کرده و گفتیم که بنی‌صدر با اندک تفاوتها سیاستها و راه‌های بزرگان را در پیش گرفته و از لحاظ طبقاتی بورژوازی لیبرال

نامه یک رفیق دانش آموز

من یک دانش آموز دبستان نازی آباد دهستم که در کلاس سوم نازی آباد درس می‌خوانم پدرم کارگر است که ۵ ماه است بی‌کار هست من کتابهای صمد را می‌خوانم و یکی از ویکی‌های زرفیق برایم بیاورد من ۲ برادر و ۲ خواهر دارم حالاً ما درم کار می‌کنند زندگی ما خیلی سخت است این دولت چرا به پدرم کار نمی‌دهد همیشه حرف می‌زند و دولتی‌ها عمل نمی‌کنند ما برای کتاب و دفترچه باید همیشه گریه کنیم تا برای ما دفتر بخرد پول پیش - آخوندها است در خانه ما یک آخوند است بچه‌ها همیشه بپر تقال و نان شیرین می‌خورد ولی ما نماندیم بخوریم چونکه ما پول ندارم این را در روز نامه کار چاپ کنید تا رفیق من بداند که چرا بچه‌ها پول ندارند پدرشان بی‌کار است.
درو دبر سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران

از اینکه دولتی که بیخاطرش دارد می‌جنگد چه بلائی سرما می‌آورد و چطور خانه ما را بر سرمان خراب میکند زنی با بغض و فریاد میگفت "حالا زما شاه هم بدبخت تر شده ایم، به هردری زده ایم، پیش مدنی امام جمعه رفتیم، پیش استاندار رفتیم، بنیاد مسکن و دادگستری رفتیم به حرفمان گوش نکردند، مردهای ما کاروکاسبی‌شان را اول کرده‌اند و رفته‌اند دنبال این قضیه. ما میدانیم که باعث اینکارها بنیاد مسکن و دولت است که همه‌اش بفکر پولدارها و زمیندارها است. تولکوچی تو بنیاد مسکن دست دارد، می‌خواهد این زمینها را دوباره به جنگ بیاورد". مرد جوانی از بین زحمتکشان میگفت "چند وقت پیش هم پاسدارها با یک مهندس آمدند که اینجا را خراب کنند نگذاشتیم، بی انصاف‌ها مردم را مثل آب خوردن به گلوله می‌بندند، می‌تربسیم سر این خانه‌ها، این بی مروت‌ها خون ما را بر زمین بریزند!".

این زحمتکشان وقتی با تخریب آلونک‌ها نشان روبرو شدند همگی دست به مقاومت و دفاع زده و سرانجام توانستند از خراب شدن خانه‌هایشان جلوگیری کنند، البته تعداد زیادی از خانه‌ها در همان اول ما چرا، بر سر ساکنینش خراب شد! زحمتکشان اکنون بخوبی درمی‌یابند که دلیل جمهوری اسلامی برای خراب کردن خانه‌های این توده‌های محروم و بی‌چیز همان دلیل پوسیده رژیم شاه یعنی خارج از محدوده بودن است اما علت واقعی آن را باید در حمایت بی چون و چرای رژیم جمهوری اسلامی از سرمایه‌داران، ملاکین و زمینداران و زمینخواهان جستجو کرد.

ایران را نمایندگان می‌کنند و اختلافات با جناح رقیب عمدتاً بر سر کسب قدرت بیشتر در حاکمیت می‌باشد و تاکنون نشان داده است که در سرکوب و کشتار خلق همواره با جناح رقیب شریک بوده و جمیع جنایات آنرا تأیید کرده است.

سندی را که ملاحظه می‌کنید با وضوح بیشتری ما هیئت آزادیخواهی مردم - دوستی آقای رئیس جمهور را نشان میدهد و همینطور آشکار می‌سازد که چرا آنها که تا دیروز طرفدار پر و پا قرص بختیای رومدنی بوده‌اند امروز بی‌سعه هواداری از بنی‌صدر برخاسته و همه‌جا برای رئیس جمهور آرزوی موفقیت و پیروزی می‌نمایند!

بدرستی در شرایطی که میلیونها کارگر و زحمتکش شرافتمند بی‌کار و فاقه هرگونه درآمدی هستند، در شرایطی که میلیونها آواره جنگ از کوچکترین امکانات رفاهی بی‌بهره‌اند، در شرایطی که هزاران هزار زحمتکش زیر فشار قحطی و گرانی در گرسنگی و فلاکت بسر می‌برند چرا ساواکها و عمال رژیم شاه بدستور بنی‌صدر استخدام میشوند و با بیت حقوق و مزایای آنها "میلیونها ریال بودجه پرداخت می‌شود؟!

من یک دانش آموز دبستان نازی آباد دهستم که در کلاس سوم نازی آباد درس می‌خوانم پدرم کارگر است که ۵ ماه است بی‌کار هست من کتابهای صمد را می‌خوانم و یکی از ویکی‌های زرفیق برایم بیاورد من ۲ برادر و ۲ خواهر دارم حالاً ما درم کار می‌کنند زندگی ما خیلی سخت است این دولت چرا به پدرم کار نمی‌دهد همیشه حرف می‌زند و دولتی‌ها عمل نمی‌کنند ما برای کتاب و دفترچه باید همیشه گریه کنیم تا برای ما دفتر بخرد پول پیش - آخوندها است در خانه ما یک آخوند است بچه‌ها همیشه بپر تقال و نان شیرین می‌خورد ولی ما نماندیم بخوریم چونکه ما پول ندارم این را در روز نامه کار چاپ کنید تا رفیق من بداند که چرا بچه‌ها پول ندارند پدرشان بی‌کار است.
درو دبر سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران



رفیق عزیز:
در نامه‌ات بدرستی به ما هیئت دولت اشاره کرده‌ای و اینکه این دولت نمیتواند و نمیخواهد به نفع زحمتکشان و منجمله بیکاران ما نندیدرتوکاری کند ولی تو همه تقصیرها را به گردن آخوندها انداخته‌ای، این بزخوردت و طبقاتی افرادی است نه لباس (عیان و عمامه آنها) بلکه ما هم قبول داریم که بسیاری از همین آخوندها از منافع سرمایه‌داران دفاع کرده‌اند و از گردن زحمتکشان زندگی می‌کنند ولی در بین آخوندها اقشار مختلف را میتوانی مشاهده کنی مثلاً طلبه‌ها که خود را فدای زحمتکش هستند و بیشتر از روستائیان و زحمتکشان جامعه هستند. بنا بر این می‌بینی که آخوندها یک دست نیستند آنچه مهم است این است که ببینی این روحانی (آخوند) عملاً از منافع چه طبقه‌ای در جامعه دفاع می‌کند.

خبرهای از...

حسین ، سی ساله کشا و رز ، صاحب زن و سه فرزند که فرزند بزرگش شش ساله میباشد ۱۰- ظاهرا استگوفرنزندما لِح قیطان هیجده ساله که تا کلاس پنجم ابتدائی درس خوانده ولی بعایت تنگدستی پدرش مجبوره ترک تحصیل شدنا مبرده فرزند بزرگ خانواده و صاحب پدري پیر بود .
۱۱- سیدحسین سیدا براهیم ، چهل ساله ، خوش نشین و صاحب زود و فرزند .
۱۲- مام مینه ، هشتادساله ، آواره .
۱۳- رحیم سی ساله ، آواره ، این دو نفر که عموم برادرزاده بودند از ترس فتوای روستای علی آباد به صوفیان فرار کرده بودند .

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
اشنویه - ۵۹/۸/۱۸

صبح روز هیجدهم اجسادایرین سیزده

شهادتی مراسم بخاک سپرده شد .
یادشان گرامی باد

روز چهارشنبه ۲۶/۹/۵۹ ساعت هشت صبح عده ای زیاسداران ، جاشها ، ارتشیان بسمره بسیج میان دو آب بقصد خلع سلاح مردم روستای کرد نشین خیرآباد حرکت کردند تا با مصلاخ خودشان این روستا را پاکسازی کنند در نزدیکی روستا با مقاومت عده ای از روستائیان مواجه و پیشمرگان حزب دمکرات ازده حاجی حسن با آنها برخورد میکنند در این اثنایک عده از پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در این منطقه به "جوله" (گشت سیاسی) مشغول بودند تکمک پیش مرگان حزب و روستائیان وارد درگیری میشوند . پاسداران در این موقع شروع به عقب نشینی میکنند و پس از طی مسافتی سنگرمیگیرند و آنجا با توپ و خمپاره بسمت روستاهای اطراف شلیک میکنند . در این درگیری سرکوبگران خلق کرده روستای ارمناک که ترک نشین است نیز حمله میکنند اما مقاومت و جسارت پیش مرگان قهرمان که تا ساعت پنج بعد از ظهر ادامه داشت سبب عقب نشینی کامل

پاسداران و ارتشیان میگردد . در این درگیری عده زیادی از جاشها ، پاسداران و ارتشیان کشته و زخمی میشوند . هـ- جنین یکی از جاشهای معروف منطقه به نام "باب علی" که مورد تنفر شدید مردم ترک نشین و گردن نشین منطقه بود کشته میشود . در این درگیری چهار ریشم سرگ قهرمان حزب دمکرات شهید میشوند (یادشان گرامی باد) و یک کودک نیز شهید میشود . همچنین از پاسداران یک ماشین و تعدادی اسلحه توسط حزب دمکرات مصادره شد . در اثر شلیک خمپاره به ده ارمناک (ترک نشین) و خیرآباد (گردن نشین) ضررهای مالی بسیار رسه روستائیان وارد آمد . رفقای ما پس از درگیری برای روستائیان ارمناک ، مواضع جنبش مقاومت را توضیح داده و به روستائیان گفتند که شما خودشا همد هستید که دشمن کرد و ترک نمیشنا سدوهر کسی مقاومت کند سرکوب میکند ، چون سر کوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایرانند .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
دفتر بوکان - ۵۹/۹/۲۷

نفسه در صفحه ۱۵

کمکهای مالی دریافت شده !

از آنجا که جاب نامهای ترکیب ویا نوشته ها ئی که گاه ضمیمه کمک های مالی ارسال شده میشود ، جای زیادی را هوارا رانی که کمک های برای سازمان میفرستند میخوانیم که تنها یک عدد سه جدا کثرتی را با حرف اول نام را بعنوان "کد" همراه مبلغ کمکشان برای ارسال دارند .

Table with columns for names and amounts. Includes entries like 'رفقای دشتستان', 'رفقای بوکان', 'رفقای ارومیه'.

Table with columns for names and amounts. Includes entries like 'الف ج', 'ب ج', 'ج ج', 'د ج'.

Table with columns for names and amounts. Includes entries like 'رفقای اصفهان', 'رفقای تهران', 'رفقای تبریز', 'رفقای مشهد'.

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان
بکوشیم

بقیه از صفحه ۱

کردن حریف، بهانه‌ای پیدا کند و خود را موجه جلوه دهد و اکنون که بحران اقتصادی ابعاد فاجعه آمیزی به خود گرفته و می‌رود تا بساط حکومت آقایان را مورد تهدید قرار دهد، هریک می‌کوشد تقصیرها را به گردن دیگری بیندازد تا خود را از آسیب خشم انقلابی توده‌ها برکنار نگاهدارد.

رئیس جمهور بنی صدر در گزارش اقتصادی روز ۲۵ آذر در مورد بحران اقتصادی دست‌پیش‌راگرفته تا پس نیفتد. اما بنا به عادت همیشگی که برای هریک از این‌ها یک رشته دلیل کوچک و بزرگ و غالباً فرعی و انحرافی ردیف می‌کند، بحران فراگیر اقتصادی کنونی را با ۲۰ مشخصه بررسی می‌کند! (و بر خلاف همیشه که منبأب خالی نبشودن عریضه از وابستگی سخن می‌گفت، این بار ظاهراً تحت فشار جنگ، وابستگی را از یاد برد!)

بنی صدر عادت دارد خودش را اهل علم و تحقیق و ناجی ایران معرفی کند، اما همین گزارش - که از لحاظ کلی بسیار افشاء کننده است - بخوبی نشان می‌دهد که "استاد" چه در چینه دارد. مثلاً باید برای آزمایشان را ندانند حریف نیست که شاخص‌های اقتصاد کشور در سال ۵۸ را با سال ۵۷ مقایسه می‌کند و فراموش می‌کند که در سال ۵۷ بخصوص در نیمه دوم، چرخ تولید زکار افتاده بود (ظواهر ایشان در مهاجرت بودند و توجه به این قبضایا نداشتند!) و افزایش تولید ۵۸ نسبت به ۵۷ شاخص بهبود وضع اقتصادی نتواند باشد، و یا چندبار تحت عناوین مختلف از فقدان کالاهای در کارگاهش و اردات صحبت می‌کند. بدین گونه معلوم می‌شود خود بنی صدر از تخصص مورد نظر چه بهره‌ای دارد.

نکته بسیار مهم در مجموع گزارش رهزبور این است که بنی صدر می‌خواهد و نمود کند که این اوضاع پریشان ارتباطی با وجود خودش و نظریه‌ها و توصیه‌ها و عملکردهایش در حکومت اسلامی ندارد، و رندانه زیاد خواننده می‌برد که خودش به عنوان متخصص (۱) اجتماع و اقتصاد در سمت مشاور اقتصاد آیت‌الله خمینی، عضویت در شورای انقلاب وزارت اقتصاد را داشته و غیره چه نقشی در پیدایش این اوضاع عداشته است. او به روی خودش نمی‌آورد که مهمترین مناصب مربوط به اقتصاد و تجارت در اختیار کارشناسان منصوب او و یا نظایر او بوده است و سهم او در پیدایش این بحران شدیداً گریبشتر از سایرین نباشد، چندان کمتر نیست. اما با صرفه و صلاح جور در نمی‌آید که جای پای خودش را نشان دهد.

از این نکات گذشته در گزارش بنی صدر مطالبی هست که صحت نظریات ما را که در صفحات روزنامه و بنبردها و خلسق بیان کرده‌ایم، تأیید می‌کند. از جمله در این گزارش به صراحت معلوم می‌شود که علت اصلی ضرورت ملی‌کردن با نکها، ورشکستگی آنها بود ولی قرار بر این شد که اعلام ورشکستگی نشود، بلکه از

بنی صدر دست پیش‌راگرفته تاپس نیفتد

طریق ادغام و تقویت با نکها (یعنی به اصطلاح با "ملی‌کردن" آنها) نفع‌ها، ضررها را بیوشاند... که... هم به سوی اسلامی کردن اقتصاد پیش برویم (؟) وهم ضعف شدید نظامی را از بین ببریم. بی‌دانشیم که مقصود از "اسلامی کردن" با نکها عبارت شد از پائین آوردن نرخ بهره - بهره برای به گردش درآوردن چرخ اقتصاد. و در واقع هدف اصلی روغن گساری چرخ و مانده نظام سرمایه‌داری وابسته بود. می‌دانیم که بنی صدر یکی از مبتکرین اصلی طرح ملی‌کردن با نکها بود و اعتراف او بر باره علت اصلی ملی‌کردن با نکها را با یسد حجت دانست. از این بابت بسیاری طرفداران جناح مترقی حکومت متاسفیم که بیاد نمی‌آورند که با زرگان اعلام‌کننده خوشحال این اقدام بود و بنی صدر لیبیرال مبتکر آن. و گویا معلوم باشد که این اقدام ارتباطی با نیازهای زحمتکشان انقلابی نداشته و نادر دو طرف جناح رادیکال (!) هم صورت نگرفته و مقصود از عمل هم روشن شده است.

در جایی دیگر بنی صدر نکته دیگری را بیان می‌کند که موبد نظریات ما در مورد بی‌اعتمادی پس‌اندا زکنندگان به با نکهای کشور است. او بر خلاف دیگران برده پوشی را کنار می‌زند و می‌گوید این "بی‌اعتمادی" به جوی مربوط می‌شود نه مردم ترجیح می‌دهند پولشان نرسد با نک نباشد... معلوم می‌شود که صحبت از کمبود اسکناس دروغی است که از آستین متدینین درآمده. البته اینان ادعا می‌کنند که با نک مرکزی که رئیس آن منصوب بنی صدر است پیش‌بینی کمبود اسکناس را نکرده ولی نمی‌گویند چرا همین مقدار اسکناس شش ماه پیش کفایت می‌کرد و چرا با زرگان سرمایه‌داران و حتی زحمتکشان هم به علت "جو موجود" حاضر به عملیات اعتباری و معامله با چک وسفته نیستند.

در مورد ملی‌کردن تجارت خارجی ما طی شرحی مفصل توضیح دادیم که این تلاشی است از طرف بورژوازی "مال‌اندیش" برای به جریان انداختن سرمایه‌تجاری در بخش تولید (و پیش‌بینی کردیم که باید منتظر مقامات تجارتی بود و چنین نیز شد) و از این بابت منت هم ابواب جمعی مردم زحمتکش کرده‌اند. و بنی صدر در گزارش خود با آوردن می‌شود که با زرگان این عمل مخالف هستند.

اما نکات مورد اتفاق نظر بنی صدر لیبیرال و "رادیکال‌ها" کم نیست. فی‌المثل بنا به توضیح بنی صدر، علت خرابی وضع کشاورزی وجود "ابها مات و تناقضات" و "عدم حکومت قانون" است. روشن است که بحث بر سر بند "ج" کذاش در قانون اصلاحات ارضی است. و لابد طرفدار جناح مترقی "حکومت هم متوجه شده اند که همین جناح (در واقع حزب جمهوری اسلامی) راه را بر تقسیم اراضی مالکان بزرگ گرفت و به این ترتیب "ابها مات و تناقض" میان اقشار بورژوازی میان رفت و جلوی تحولات غیر شرعی دهقانان زحمتکش گرفته شد: به پیشقدمی و ارشادات جناح مترقی حکومت!

برای "امنیت قضائی" سرمایه‌داران هم باید فکری کرد به قول بنی صدر "برای اشخاص حقیقی و حقوقی" باید شرایطی پدید آورد که بتوانند با خیال راحت و بدون دغدغه مزاحمت کارگران به "فعالیت اقتصادی"، یعنی انباشتن سرمایه بپردازند. در این باره نیز میان سران حکومت اختلاف نظری وجود ندارد (فی‌المثل توجه کنید به سخنان نخست وزیر با خبرنگار آلمانی روزنامه وست‌دویچه آلمانیه سا تیونگ)

بسیاری از مسئولان مملکتی و بعضی چپ‌ها سعی می‌کنند سبب اصلی گرانی را تجار بزرگ معرفی کنند، در این که اینان نقش مهم‌دار رندتر دیدنی نیست. اما بنی صدر مسئولیت اصلی "کمبود واردات" را متوجه مسئولین دولتی می‌داند، البته نه از این بابت که برای رفع وابستگی و کاهش واردات - چاره‌ای نیندیشیده‌اند، بلکه از این لحاظ که پیش از بروز کمبود فکرها سفارش‌کار لانیفتاده‌اند. و پاسخی مسئولان ریزودرشت حکومتی روشن است: در فکر هستیم و غصه نخورید، داریم به واردات سروسامان می‌دهیم. هیچکدام از آقایان حکومتگرا جمله همین بنی صدر که زمانی ۵۰-۴۰ نوع وابستگی را بر می‌شمرد. توضیح نمی‌دهد که چرا برای رفع وابستگی و ایجاد استقلال چاره‌ای نکرده‌است (پیدا است که اینان چاره‌ای نمی‌شناسند و فقط باید با دلیل و برهان ثابت کنند که چاره‌ای جز وابستگی نیست، کما این که عملاً این را ثابت کرده‌اند). می‌بینیم که در مورد ضرورت واردات "همه سران حکومت هم عقیده‌اند و بحث فقط بر سر این است که چه کسی در تنظیم سفارش‌های واردات تعلل کرده‌است. (رجوع کنید به جوابیه‌ها زمان بسیج اقتصادی به گزارش بنی صدر، اطلاعات ۴ دیماه) بنی صدر در گزارش خود مانند بقیه مسئولان مسلمان "کشور فقط آن قسمت از واقعیات را نشان می‌دهد که خوشامی توده‌ها را تحریک نکند. از این رو سبب که خطر بزرگ قحطی گندم و نان را که با توجه به وضع کنونی ناگزیر به نظر می‌رسد، با اهمال برگزاری می‌کند و فقط بقیه در صفحه ۱۴

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

تختی پهلوان مردم بود

بقیه از صفحه ۱۶
وقریه های مهمن سردر آورد، ایران یکپارچه خبر بود. تمام دلها، خبر، تمام لبها، خبر، قدمها و دستها، نگاه ها و اشاره ها، حتی دیوارها خبر بودند: "تختی را کشتند." "تختی را کشتند." هیچکس در خانه قرار نداشت. تمام درها باز شد. تمام پنجره ها باز شد. مردم به کوچه ها و خیابان ها ریختند و پیچیده ها درهم پیچید و اوج گرفت. شهر از صدا پر شد. صداها درهم پیچید و اوج گرفت. شهر از فریاد پر شد: "تختی را کشتند." "تختی را کشتند."

راستی تختی که بود که خلقی چنین درسوگش درهم می پیچید و آتش جنبش و آره ای زودگذر را در شب خوفناک دیکتا توری دامن می زد؟ تختی کسه بود که در زمستانی سرد آتشی چنین سوزان و لوله افکن در خانه ها و زاغه ها برافروخت؟ آتشی های زیر خاکستر را برانگیخت. آتشی های پنهان را از دلها به لب ها کشید و در فریادها شعله ور کرد؟ تختی که بود؟

قهرمانی از میان مردم، پهلوانی ساده، فروتن و مهربان. پهلوانی که در صدایش طنین جنبش ملی ایران هنوز می لرزد. پهلوانی نجیب که تمام سنت های مردمی تاریخ پهلوانی ایران عطر عطفه ها پیشش بود. پهلوانی با نگاهی سرشار از اعتقاد و دوستی سرشار از مهر. پهلوانی با بیکری پولادین که از قلب شاهنامه برخاسته بود تا حضورش تا دوام مقامی تاریخی در برانگرا و وس زمان باشد. تختی فرزند زحمتکشان بود. در محله های جنوبی پرورش یافت و پولاد عضله ها پیش در کوره های رنج زحمتکشان آبدیده شد. تختی در میان مردم چنان آرام و فروتن قد بر آورد و برگ و بار گرفت و تنو مند شد که حضورش برای مردم مثل هوا طبیعی بود چنان که گوئی همیشه بوده است. برای مردم، تختی، پهلوان، و پهلوان تختی بود پهلوانی کهن اما جوان که به خودی خود پنداشته می شد پدر بزرگ ها و پدران - پدر بزرگ ها نیز او را می شناخته اند. تختی پهلوان تمام دوران ها بود. چنانکه مردم تاریخ تمام دوران ها هستند.

تختی را کشتند اما تختی با قلمت سترگ از دروازه خونین شهادت گذشت دروازه ای درست به قالب پیکرتنو - مندش. بگونه ای که نه شانه ها پیش بر کناره های دروازه سا ئید و نه سرش ذره ای خم گرفت. دروازه خونین لحظه ای از پیکر پهلوانیش پر شد و روشن ماند و تختی با قواره خونی کسه از گردن برافراشته اش قدمی کشید نجیب و استوار بر پهنه آینه ایستا. دو زمان سوت کشید و او را تاریخ دستش را به نشانه پیروزی بالا گرفت. تختی در برابر مردم افتاده و

نروتن و در برابر دشمنان مردم سرکش مغرور بود. تختی حتی به رسم بردست گا و وس زمان لب نسود و آنجا که ناگزیر مردم خواهی پیوسته و پرشورش را - تا وانی اندک می پرداخت و به رسم، دست در دست شاه می نهاد و به تعظیمی مرسوم خم به قامت می داد، خمیده و ناخمیده چون فنرمی جهید و استوار می ایستاد و دستش چون پتگی که بر - سندان فرو آمده باشد بر می جست و گره می خورد و در برش فرو می آمد. تختی چنین بود.

تختی جهان پهلوان بود. پیروزی جهانی تختی توده های ستم - دیده ایرانی را به شور و هیجان کشید. محبوبیت تختی در میان توده های زحمتکش میهن ریشه ای چنان گسترده و عمیق یافت که رژیم رابه هراس افکند. محبوبیت تختی حاکمیت طرف و حیثیت مردم بر مردم بود و رژیم آن را در برابر حاکمیت زور و زور خویش می ستجد و آن بیم داشت. تختی ستاینده راستین مبارزات ضد استبدادی - ضد امپریالیستی مردم مبارز میهن بود. و از مصدق و مبارزات ضد امپریالیستی اش با حرمت و تحسین یاد می کرد. پاسداشتی که در عرصه مبارزات آغاز دهه جهل بروشنی باز شناخته شد و از تختی در برابر رژیم چهره ای پهلوانی - سیاسی برداخت و رژیم نمی توانست از محبوبیت پهلوانی سیاسی درگذرد. تختی با مردم و در میان مردم بود و بر راستی چه شگوه مند بود حرکت مردم دوستانه اش در جریان زلزله بوئین زهرا " مردم که رژیم شاه را رژیم می سراپا غارتگر و ضد مردمی می شناختند در چنین حوادث ناگواری نمی دانستند چگونه به یاری هم - میهنان مصیبت زده خویش بشتابند. مردم به نهاد های کمک رسانی رژیم هیچ اعتمادی نداشتند، مردم شیرو خورشید را بنگاه تبلیغاتی و چاپ و می دانستند. مردم دیده بودند که چگونه بسته های کمک آذوقه - ها ایشان سر از جره های تجاردر می آورد! مردم دیده بودند چگونه بنگاه های امدادشاهی کمک - های نقدی مردم را می بلعند و در چنین موقعیتی تختی در جریان زلزله بوئین زهرا در خیابان ها به حرکت درآمد تا کمک های مردم را بگیرد و به زلزله زدگان برساند و مردم از پنجره ها بر سرش پول می ریختند و عا بران پول ها را دسته می کردند و به پهلوان می سپردند. تختی چنین بود.

اما فروکشیدن و فروکشستن شعله ای تابناک برای رژیم که یکی از ارکان ستم مردمی داری مصلحتی و قهرمان نوازی خود نمایانه است چندان ساده نیست. پس باید از دری دیگر در آمد و حیل های دیگر به کار کرد و بدینگونه بود که رژیم با دانه سکه و مقام به سراغ تختی رفت تا مگر او را به دام افکند و رام خود کند !!

تا مگر تختی، این چشم و چراغ مردم را همچون شاهینی شکاری بر سر پنجه شاه بنشاند و از " سی مرغ " آرزوی مردم مرغی دستا موزن سازد! و شاه که گله ای از شاعران، داستان پردازان - زنان، نقاشان، سینماگران، - نثارترازان و رقصندگان و نوازندگان و پهلوانان، مشاطه گران و - صحنه آرایان جشنواره های هنری و المپیائی اش بودند آزمون دانه چشمه خرید تختی دوخته بود تا به گمان خود با نمایش گریش تختی در پیشگاه پیشوا! کمر مردم را بشکند! اما تختی چنان بی اعتنا در کرسی های ریاست تربیت بدنی و نمایندگی مجلس نگر - بیست و چنان بی درنگ از آن گذشت که خورشیدی در کرم شب تاب بنگرد و عقابی از کنار خر مگسی طلائی بگذرد! و آنگاه رژیم زخم خورده و بر آشفته از غروری چنین مردمانه، چنگ و دندان تیز کرد و سیاست طرد و استیضاح و تهدید پیشش گرفت تا ابتدا او را از عرصه های میهنی و جهانی ورزش براند و از خاطر مردم ببرد و سپس به خونش کمر بندد. و تختی نا خواسته " واژه ای " ضدشاهی شد و مردم که زیر سلطه خفقان یکپارچه نفرت خاموش بودند و آتشمای می - جستند مدام نام تختی را بر زبان می راندند چنان که گفتی با تکرار مداوم یک نام طناب دار رژیم را می بافند. رژیم از بازداشت تختی نراس داشت. بازداشت تختی بر راستی بازداشت قلب میلیون ها ایرانی بود و رژیم از بیامدهای آن می ترسید.

و اما شگوه مندترین خاطر - تختی در ذهن مردم. حادثه ایست که در سال چهل و چهار در سالن ورزش شمال پارک شهر گذشت. حادثه ای که چون آوار آتش بر سر شاه هیور غلامرضای جنایتکار فرود آمد: ده ها هزار نفر در سالن و پشت درهای بسته سالن گرد آمده بودند تا از نزدیک مسابقات کشتی جهانی را ببینند. وقتی شاه هیور " از در پشتی " آمد و با کتک - شاهی " در جایگاه ویژه ایستاد، سالن از گفت و گویا زنده و کف زدن های پراکنده و تکه پاره مردم بیشتر به موسیقی طنز و تحقیر شبیه بود تا حتی به ریتم استقبال اجباری و خشک!! اما لحظه ای بعد که تختی از در عمومی آمد و در میان مسر مردم ایستاد سالن چون دریائی از هلهله شوق و غریو شادی از جا کنده شد و صدای زنگار کف زدن های مردم بیشتر به آهنگ انفجار و شکست خفقان شبیه بود تا تنها به موسیقی ستایشش از پهلوانی شکست نا پذیر. آهنگ انفجار شورانگیز مردم شانه ها و دقیقه ها، را به آتش کشید و در دقیقه دهم چون صاعقه ای عظیم سالن را بلبلد و در آورد و شاه هیور را چون گرگدنی صرعی از سالن گریزاند! رژیم بران شد تا تختی، پهلوان مردم را از میان بردارد.

بقیه در صفحه ۱۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

انقلاب کوبا و ...

بقیه از صفحه ۱۶

واقعی انقلاب و ساختن سوسیالیسم را آغاز کردند. اکنون به برخی از تجربیات انقلاب کوبا و دستاوردهای درخشان آن و مبارزات قهرمانانه کارگران و زحمتکشان کوبا می‌پردازیم: یکی از عواملی که در پیشبرد امور انقلاب در کوبا نقش اساسی داشت انحلال ارتش مزدور باقی‌مانده پس از انقلاب و تشکیل ارتش توده‌ای بود.

خلق مسلحی که رژیم باقی‌مانده را سرنگون کرده بود. ارتش باقی‌مانده را نیز که برای استثمار سرمایه‌داران و زمینداران وابسته بر علیه خلق بود منحل کرد. جای آن ارتش خلقی گرفت که تنها برای دفاع از انقلاب و سرکوب دشمنان خلق بود و مزدوران و فرماندهان ارتش و سرسپردگان رژیم باقی‌مانده را به محاکمه کشیده شدند. عملکرد این‌جا کمیت انقلابی درست نقطه مقابل عملکرد حاکمیت در ایران است. در ایران، بلافاصله پس از انقلاب ۲۲-

بهمن و سرنگونی رژیم شاه، ارتش ضد خلقی بازاری و ترمیم‌شده فرماندهان مزدور اکثریت را فرار خوانده شدند و تنها چند عنصر شناخته شده تحت فشار مبارزات توده‌ها محاکمه و اعدام گردیدند و همین ارتش بر علیه خلق ایران طرح کودتای ریخت و عنان صری که نقش اساسی در کودتای دشت‌دستگیر شدن ما به بهانه جنگ ایران و عراق از زندانها آزاد پوست‌های قبلی خود فرار خوانده شدند، سپاه پاسداری که پس از قیام تشکیل شد بتدریج به زانده ارتش و به سرکوبگر خلقی تحت ستم کرد، ترکمن و عرب و ... بدل شد.

در کوبا ای انقلابی و وابستگی سوسیالیسم پدید آمده‌ای خارجی تلقی نمی‌شد. توده‌های زحمتکش کوبا بدرستی با یگانا امپریالیسم را که همانا سرمایه‌داران و زمینداران کوبا بودند بدرستی شناخته و به رهبری حکومت انقلابی، پیگیرانه مبارزه ضد امپریالیسم را به پیش بردند بدین طریق که در بخش صنایع، سیستم مونتاز را درهم شکستند و صنایع بنیادی و اساسی را پی‌ریزی کردند و سرمایه‌داران وابسته و صاحبان صنایع بزرگ از جمله برق و تلفن که در دست شرکت‌های آمریکایی بود بطور کلی خلع ید شد و در زمین کشاورزی اصلاحات ارضی صورت گرفت زمین‌های بزرگ که متعلق به زمینداران آمریکایی و وابستگان داخلی آنها بود بلافاصله مصادره و به دهقانان زحمتکش واگذار گردید. سیستم کشت محصولی کوبا که شامل نیشکر بود به کشت متنوع و متناسب با نیاز توده‌ها تبدیل شد، کشت برنج و سایر محصولات زحمتکشان طبق برنامه و بر اساس برآورد دقیق از نیاز توده‌ها سازمان داده شد.

پس از پیروزی انقلاب کوبا اجاره مسکن بلافاصله پس از انقلاب برای تمامی خلق ۵۰٪ کاهش یافت و پس از مدتی نیز اجاره مسکن بعنوان قسط مسکن بحساب آمد و پس از چند سال تمامی خلق صاحب مسکن شدند در دهه اول پس از انقلاب بیگاری نه تنها از میان رفت بلکه کوبا با کمبود نیروی کار نیز مواجه شد.

پس از انقلاب کوبا تمام امکانات بهداشتی و درمانی در دست دولت بود و تمام نیروی انسانی پزشکی در استخدام دولت قرار گرفت و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و رفاهی کاملاً رایگان شد در مورد خدمات پزشکی و درمانی اولویت به مناطق محروم و روستاها اختصاص یافت به‌علاوه درمانی که قبلاً امکانات درمانی نداشت. از ۲۳۶ مرکز بهداشتی و بیمارستانی که طی یک دهه پس از انقلاب ساخته شد ۵۰٪ آن در روستاها و نقاطی احداث شد که هیچگونه امکانات درمانی نداشتند.

همزمان با ایجاد مراکز درمانی و بهداشتی طرحی که نیاز جامعه کوبا را پزشکی و درمانی را در سراسر کوبا تعیین می‌کرد تهیه گردید و بر اساس آن تربیت کارکنان پزشکی و پرستاری در برنامه ریزیها و اجرا و ارزشیابی مسائل آموزشی و خدماتی پزشکی شرکت داده شوند تا از این طریق بیشتر احساس مسئولیت نمایند و بدلیل خروج برخی پزشکان متعلق به طبقات مرفه و سرمایه‌داران از کوبا ۳۰٪ ظرفیت دانشکده‌های کوبا به دانشکده پزشکی اختصاص داده شد و دربرآورد بعدی ۲۰٪ نیز بدان افزوده شد آموزش در همه سطوح و حتی دانشگاهی بطور رایگان بوده و در خدمت تمامی خلق است.

حکومت انقلابی کوبا به رهبری فیدل کاسترو در زمینه تعلیم و تربیت و مبارزه با بیسوادی قدمهای ارزنده ای برداشته است جنبش انقلابی سوادآموزی در کوبا تمام جاهای را تا کنون تهنیه نزدیک به صدوپنجاه هزار عینک برای سوادآموزی سالمندان، گیسو و شاکو همبند دانش آموزان، و معلمین و روشنفکران به دورترین روستاهای کشور، کلاس‌های آزاد در مناطق روستایی، همه و همه چشم‌انداز درخشان را نوید می‌دهد که امروز جهان شاهد شکوفایی آن است. این جریان فرهنگی در یک جامعه انقلابی و مقایسه آن با "انقلاب فرهنگی" در ایران که چیزی جز کشتار دانشجویان، سرکوب فرهنگی و سیاسی دانش آموزان و گسترش جزم اندیشی و تشدید سانسور و خفقان نبوده است واقعیت تکان دهنده ای را آشکار می‌کند.

کار در برنامه آموزشی، در شیوه‌های آموزشی و در سازمان پیچیده مدارس جای گرفته است در مدارس ابتدایی، کودکان هفته‌ای شش ساعت که در سه روز تقسیم می‌شود در مزارع کار می‌کنند و در دوره سه

سال دوم ابتدایی ۱۰ ساعت در هفته در مزارعی که به مدرسه اختصاص دارد به فعالیت می‌پردازند. برنامه فعالیتها عبارتست از: آماده کردن زمین، بذر پاشی، کود دادن، آبیاری، مراقبت از بذر کشت شده تا هنگام برداشت محصول، کنترل و نظارت در برابر آفات احتمالی و دیگر خسارات و بلاخره جمع‌آوری محصول. در مدارس متوسطه با یک شاگردان شش هفته در هر سال تحصیلی را در مراکز کشاورزی می‌گذرانند نحوه استفاده از تراکتورهای سبک و دیگر ماشینهای کشاورزی به نوجوانان آموزش داده می‌شود.

و در سالهای آخر مدرسه و همچنین در دوران دانشجویی فعالیت علمی کار تولیدی به شکل گوناگون صورت می‌گیرد دانش آموزان و دانشجویان فنی - صنعتی و کشاورزی آموزش دیده و با حضور در واحدهای کار بدمت شش هفته در سال و همچنین روزهای تعطیل، تئوری و با کار تولیدی تلفیق می‌نمایند.

همواره یکی از تاکیدهای امپریالیسم برای حفظ سلطه و ادامه استعمار و خلقهای تحت ستم تبلیغات مسموم کننده ضد کمونیستی و تبلیغ بر علیه انقلابیون کمونیست و بر علیه ایده‌ها و انقلابی مفا همی چون سوسیالیسم و کمونیسم است. در کوبا نیز چه قبل و چه بعد از انقلاب امپریالیسم آمریکا تلاش می‌کرد تا با توسل به احساسات مذهبی توده‌ها، کمونیستها را دشمنان ایده‌های مذهبی مردم قلمداد نماید.

و تحت تاثیر همین تبلیغات بود که سوسیالیسم و کمونیسم را نه به مثابه سیستم اقتصادی مبتنی بر رفاه ستم و استعمار، که پدیده‌ای ضد مذهب تصور می‌کردند. پس از انقلاب کوبا از آنجا که رهبران انقلاب در جهت تحقق خواسته‌های توده‌ها گامهای جدی برداشتند با لطمه توده‌ها به انقلاب و اقدامات انقلابی (که بسود توده‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته بود) اعتقاد داشتند و بدینجهت امپریالیسم نتوانست از طریق تبلیغات ضد

کمونیستی توده‌ها را بفریبد و سلطه خویش را مجدداً برقرار سازد از آنجا که کوبا تنها صدارت نیشکر بود و اقتصاد کوبا نیز شدیداً وابسته به تولید و فروش نیشکر بود و آمریکا نیشکر را به قیمت ارزان می‌خرید و حتی شکر مورد مصرف مردم کوبا را به قیمتی چندبرابر آنها می‌فروخت بعد از انقلاب کوبا، آمریکا از خرید نیشکر سر باز زد. اما حکومت انقلابی کوبا به رهبری فیدل کاسترو هرگز از آمریکا تقاضای رفع تحریم اقتصادی نکرد (دولت ایران یکی از شرایط آزادی گروگانها را با زنگشت به شرایط قبل از تحریم اقتصادی قراردادهاست) بعکس دولت کوبا از تحریم اقتصادی سودا انقلاب سود جست با اینصورت که تولیدات کشاورزی را بر مبنای احتیاجات توده‌ها سازمان داد. قبل از انقلاب تنها تولید کشاورزی

بقیه در صفحه ۱۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

"بنی صدر" دست پیش را...

از "کمبود گندم" آنهم در دو کلمه صحبت می کند. حقیقت این است که در پینج استان گندم خیز کشور (گرگان، ترکمنستان، صحرای کرمان، لرستان، خوزستان، کردستان، گیلان، مازندران، آذربایجان) سطح زیر کشت به شدت پائین آمده. از این آئینده، وخیم، بنی صدر فقط دو کلمه یاد می کند: کمبود گندم! زیرا اصلاح نیست که توده ها در جریان کار باشند و حال که از آقایان کاری بر نمی آید، برای خود چاره ای بیندیشند.

خیر اندیشان "چپ" ! به کارگران که مبارزان واقعی علیه امپریالیسم هستند و می دانند که مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با سرمایه داری و وابستگی همراه با آن جدا نمی نهد، توصیه می کند که در کار تولید و وقفه ای ایجاد نکنید، با لای بردن تولید به معنای پیش بردن انقلاب است. بنی صدر و ما ایندگان جناح مترقی حکومت هم همین را می گویند، ما به جای آن که کارگران و زحمتکشان با سرخ بدهند، به تکه ای از پاسبان ستاد بسیج اقتصاد می بیند و توجه کنیم که گویا مقام سخن را از یاد می برد و می گوید: "آیا برای رفع بیکاری... می بایستی همه شرکت های شه ساخته و ارداتنی، خدماتی و آژانس های دلال و صنایع مونتاز و وابسته حفظ می شد؟" البته می توان این لغزش قلم را بر نویسنده آن جوابیه بخشید، زیرا حکومتی که او از جانیش سخن می گوید، عملاً و لفظاً خواستار ادامه همان صنایع مونتاز، افزایش واردات و غیره است و این اظهار فقط برای "روکم کردن" حریف است که دائم از قطع وابستگی سخن می زند. خوب است این نقل قول را سوسیال فرمیست های که با حکومت همصدائی می کنند چند بار بخوانند تا بفهمند وقتی از ضرورت افزایش تولید صحبت می کند، در واقع از تداوم و تزیاید وابستگی دفاع می کنند!

سخن را کوتاه کنیم. بنی صدر در گزارش خود بعضی خطوط و رشکستگی، بخران، از هم پاشیدگی، پریشانی و نابسامانی وضع اقتصادی را ترسیم می کند، اما چنان که رسم او سایر همفکران و حکومتگران نظیر اوست نمی داند زیرا باینش طبقا تاش اجاره نمی دهد تا بداند که ریشه بحران در کجاست. اقتصاد و اجتماع ایران دچار بحران ناشی از نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم جهانی است و این رژیم تاکنون نتوانسته در جهت تخفیف آن قدمی بردارد و اگر هم بتواند به کمک امپریالیست ها سایر نیروها برای مشکلات ناشی از بحران چاره ای موقتی پیدا کند، فقط درمان واقعی را به تاخیر می اندازد. کلید حل بحران در دست توده های زحمتکش به رهبری طبقه کارگر ایران است. این پیام تاریخ است!

انقلاب کوبا و... بقیه از صفحه ۱۳

کوبا نیشکر بود و دولت محبور بود سرمایه را از آنجا ببرد. از آنجا که تولیدات مورد نیاز مردم طبق یک برنامه اصولی کشت گردید اما این امر بدست توده های دهقان و بدنیال یک اصلاحات ارضی واقعی صورت گرفت و از آنجا که دهقانان شمره کارکش خود را موثر در رفاه اقتصاد خویشتن می دیدند با جان و دل به کشت می پرداختند. حتی زمانی که دارو دسته با تیستا و عوام مل سرمایه داران و زمینداران بزرگ نیروهای مسلح خود را بر ضد دولت انقلابی در کوه های "اسکا میرا" سازمان دادند از آنجا که حکومت انقلابی مدافع منافع زحمتکش نبود مزدوران ضد خلق بدست دهقانان منطقه سرکوب شدند.

تختی پهلوان مردم بود

بقیه از صفحه ۱۲ نیمه های دیماه بود که تختی ربوده شد. و در هفدهم دیماه رژیم خرد روغیت خودکشی تختی را جار کشید. مردم به کوجه ها و خیابان ها ریختند. مادران چادرها را بر سر کشیدند و در کوجه ها شتاب گرفتند. بچه ها در محله ها می دویدند و خبر را بازمی گفتند. سیم های تلفن از نام تختی پر شد: "تختی را کشتند". تختی را کشتند.

در مراسم تشییع جنازه تختی مردم چون سیل به حرکت درآمدند. دانشگاه پرچمدار میتینگ تشییع بود و گروه جزئی در پیوند مبارزان دانشگاه بخش سرگ این جنبش خود جوش و کوبیده و با اینهمه زودگذر را هدایت می کرد. تابوت تختی بر امواج پیر تلاطم دست ها و شانه های مردم پیش می رفت. مردم بویژه انبوه پسران و مادران سالخورده می گریستند. جوانان مشت تکان می دادند از پرتاب

ضد انقلاب کیست و...

بقیه از صفحه ۲ خورده خلق هستند، پرچمدار مبارزات انقلابی خلق جازد، شعار تسلیح سرکوبگران خلق را داد، و تمام اقدامات ضد خلقی و سرکوب رانه به ضد انقلاب حاکم بلکه به ارواح و اشباح خبیثه و عناصر مشکوک نامرئی درون حاکمیت نسبت داد و بر مبارزات برحق کارگران و دهقانان، دانشجویان و معلمان و محصلین و همه زحمتکشان مهر ضد انقلاب زد؟ البته هیچ انتظار

و در واقع دهقانان مسلح منطقه آنرا رانند بود کردند دولت مرکزی تهدید امپریالیسم آمریکا نسبت به دولت انقلابی کوبا و عکس العمل انقلابی کوبا در قبال آن بیانگرا این حقیقت است که یک دولت انقلابی نه تنها از تسلیح مردم هر اسی ندارد بلکه خود پیشگام مسلح کردن توده ها است دولت کوبا هم اکنون در برابر تهدید امپریالیسم آمریکا اعلام کرده است که هر کوبا ئی در سر کشور می تواند به یک قبضه تفنگ خودکار یک عدد نارنجک مجهز شود. یک دولت انقلابی چنین است نه دولتی که از همان آغاز قیام توده ها را به تحویل اسلحه و امیدار دوگام بگام سیاست خلع سلاح توده ها را پیش می برد. همچنین حمله به خلیج خوک ها از جانب آمریکا در سال ۱۹۶۰ نیز از جانب توده های مسلح سرکوب شد چرا که توده ها مدافع انقلاب بودند.

گل، هوا تکه تکه سرخ بود و وطنین توفنده شعارها با ییتخت خفقان و کشتار را می لرزاند: "تختی شهید گشته، تا مرگ قاتلینش نهضت ادامه دارد." و دیدیم نهضت چگونه در اسطوره رستاخیز سیاه گل غلغله خون است آتش شد و از مسلسل فدائی و مجاهد شعله کشید و با پشتوانه ای چنین خونین، در قیام مسلحانه توده ها پادگانها را فروریخت. اکنون یگذا ژکشتارگران تازه نفس با خون رزمندگان خضاب ببینند. یگذا بزرگوار آزادی خواهی دروغین به کشتار خلق های رزمنده میهن فرمان دهند! خلق های رزمنده ای که از خون شهیدانی چون روزبه ها، رضوی ها، خانعلی ها، تختی ها، احمدزاده ها و جزئی ها، حنیف نژادها و رضائی ها، دانشیان ها و کلسرخانی ها و سرانجام جنبشی چنین توفانی و قیام مسلحانه ای چنین پرده ستا و آفریدند با پشتوانه دم افزون خون توماچ ها و نریمی ساها و میرشکاریها و و حمام خون قتل عام های قارنا و قهلاتان و ایندرقاش چه ها که نخواهد آفرید.

دیگری جز این هم نمیتوان از آنها داشت زیرا که بخوبی آگاهند، روزی که طبقه کارگر ایران در پیشا پیش توده های زحمتکش برچرخ پیروزی را بر ویرانه های نظام کهن به اهتزاز درمی آورد و با فریادهای مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر سرمایه داران، ضد انقلاب را در زیرگامهای وزین و محکم خود له می کند و به گورستان تاریخی می سپارد، به چهره تمام نابکاران و خیانت پیشگان به طبقه کارگر و توده های زحمتکش تف خواهد انداخت و آنها را در گنار با با نشان به گور خواهد سپرد.

پیر و زیاد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران

تظاهرات باشکوه ۲۰ دیماه ۱۳۳۸

برگی درخشان در تاریخ جنبش دانش آموزی

جنبش مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه ۱۰
اعلامیه هواداران
در اشنویه

یورش وحشیانه فاشیست ها و غلیکوپترها
ی رژیم جمهوری اسلامی بداهات اشنویه
بگذار حمله فاشیست ها و هتلی کوپتر
های جمهوری اسلامی بروی مردم زخمکش
و ستم دیده خلق کرد تکرار شود. بگذار
"خوشکه حلیم ها" و "سیدزلیخا ها" در خون
خود غلظند و "خوشکه مریم" ها مورد تجاوز
وحشیانه قرار گیرند!

- بگذار را یورتونیست های اکثریت و
حزب خائن توده چهره شوم جمهوری اسلامی
را خلقی و ضدا مپریالیست نشان دهند.
اما خلق بیباک خسته کرد در برابر یورش
سرکوبگران خلق آرام نخواهند نشست
ساعت هشت و چهل و پنج دیروز دوفروند
فاشیتوم منطقه اشنویه را بمبارا نکردند
در این حملات ددمنشان:
- ۱- روستای شنگان یک نفر زخمی شد
و چند خانه مسکونی آسیب دیده است.
- ۲- روستای خورش با وجود حملات
وحشیانه، خوشبختانه آسیبی ندید.
- ۳- در روستای میراوه دوفروند زخمی
شدند و شیشه خانه ها شکست.
- ۴- روستای هی هفت نفر زخمی شدند
که حال دوفروندشان خوب نیست.
- ۵- روستای پس گدله در این روستا
دوفروند با ساسی حاجی محمود پاپا بولسی و
"خوشکه مریم" شهید شدند و یک نفر زخمی
شد و بیش از ۲۰ اسرا و گوسفند تلف شده
است.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای
ایران هستند
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
اشنویه - ۵۹/۸/۲۷

نبرد خلق ۲ منتشر شد

متوسطه قرار گرفت و بصورت اعتراضات
صنفی کلیه دانش آموزان درآمد.
دانشجویان مبارزان مبارزه بامنظور ارتقا
مبارزات دانش آموزان اعلام همبستگی
گردند. از جمله رفقای پی که در سال زماندهی
و تعمیق اعتراضات دانش آموزان نقش
برجسته ای ایفا نمودند رفیق بیژن جزینی
صفائی فرها نی و رفیق سعید کلانتری
و عزیز سردی بودند. اگر چه بهانه اولیه
برای بسیج دانش آموزان مساله افزایش
حدنصاب قبولی بود اما از همان ساعات
اولیه شعارها جنبه سیاسی و ضد رژیم
شاه بخود گرفت و بخشی توده های
زخمکش نیز در آن شرکت جستند.
درگیریهای بین پلیس و ساواک از
یکسو و تظاهرات کنندگان از سوی دیگر
صورت گرفت و ماشین های متعلق به
ساواک و پلیس به آتش کشیده شدند و
همچنین به اداره فرهنگ نیز حمله
شد. در این روز و روزهای بعدی قریب
۷۰۰ نفر توسط مزدوران رژیم دستگیر
شدند که به مراکز ساواک منتقل می شوند
و توسط ما موران تیموری بختیا ر مورد
ضرب و شتم قرار می گرفتند.
تمامی سلولها و بندهای زندان
قزل قلعه و حتی بهداری و حمام آن مملو
از دستگیر شدگان بود. انعکاس گسترده
تظاهرات دانش آموزان در سطح جامعه
رژیم را واداشت که به عوام فریبی
متوسل شده و توطئه و خرابکاری عده ای
پرتقال فروش قلمداد کنند تا بخیال خود
از تائیرات درخشان آن بر جواختن اق
حاکم بکا هد.

دستگیر شدگان تظاهرات ۲۰ دی بعد
از مدتی آزاد شدند و چهار تن از آنان
شش تا سیزده ماه بدون محاکمه در
زندان باقی ماندند.
جنبش دانش آموزی ۲۰ دیماه گرچه
در آن مقطع با سرکوب وحشیانه رژیم
مواجه شد اما این جنبش خود سر آغاز
اعتراضات و تظاهرات باشکوه
دانشجویی در سالهای ۴۲-۳۹ بود.
از آن روز تا کنون جنبش دانش
آموزی و دانشجویی هر چند با افسست و
خیزهایی هرگز خاموش نشد و دانش
آموزان و دانشجویان در سنگرمبارزه
ضدا مپریالیستی - دمکراتیک خلق،
استوار ایستادند و امروز رژیم
جمهوری اسلامی بیپوده می کوشد تا
آزموده ها را دوباره بیا زما بد. بیستن
دانشگاهها و اعمال فشار و اختناق و
سرکوب در مدارس، هرگز نمی توانستند
فربا دحق طلبانه دانش آموزان و
دانشجویان را در دفاع از منافع
زخمکشان و کسب حقوق و آزادیهای
دمکراتیک، خاموش سازد.

اکنون که مبارزات دانش آموزان
قهرمان میهنمان در پیوند با سایر اقشار
خلق برای کسب آزادیهای سیاسی و
پیشبرد مبارزه ضدا مپریالیستی و جتازه ای
میگیرند، بکارگیری تجارب گذشته جنبش
و درس آموزی از آن میتواند گامی در جهت
تعمیق و اعتدالی مبارزات درخشان
دانش آموزان باشد. دانش آموزان انقلابی
همواره بمانند به بخشی از نیروهای آگاه
جامعه دوش بدوش دانشجویان مبارزان
دانشگاهها در سخت ترین شرایط اختناق
و دیکتاتوری به مبارزه در جهت دفاع از
منافع کارگران و زخمکشان پرداخته
و سهم مهمی در پیشبرد مبارزات ضد
امپریالیستی - دمکراتیک خلقمان
داشته اند. روزهای پر شکوه و حماسه
آخرین ۱۶ آذر ۲۲ - ۲۰ دی ۳۸ - ۱۳ آبان ۱۳۵۷،
و اول اردیبهشت ۵۹ برگهای درخشان
از تاریخ جنبش دانش آموزی - دانشجویی
ایران است.

در تاریخ مبارزات میهنمان کمتر
حرکات توده ای را میتوان نام برد که
دانشجویان و دانش آموزان سهمی در آن
نداشته باشند و یاد در شکل گیری و
تعمیق آن نکوشیده باشند حتی مبارزات
صنفی دانش آموزان و دانشجویان
غالباً بهانه ای برای طرح خواستهای
سیاسی بوده است.
پس از کودتای امپریالیستی ۲۸
مرداد ۳۲ و خیانت رهبران حزب توده و
دستگیری ها، شکنجه ها و اعدامهای
بیباکی مبارزان و پس از هجوم مزدوران
و پس از هجوم مزدوران رژیم شاه به
دانشگاه و شهادت سه تن از دانشجویان
مبارزان، رژیم دیکتاتوری شاه فضای
رعب و وحشتی را تدارک میدید و هرگونه
اعتراضی را با سرکوب وحشیانه مزدوران
پاسخ میگفت از جمله اعتراضات تیگانه
علیرغم فضای خفقان موجود تحقق یافت
اعتصاب چهل هزار نفر کارگران کوره پز
خانه های تهران در ۲۳ خرداد ۳۸ بود.
رژیم مزدور شاه با خشونت هر چه تمامتر
اعتصاب بحق کارگران را بخون کشید و
در جریان این سرکوب پنجاه نفر را
کارگران قهرمان شهید شدند و تعداد
زیادی مجروح یا دستگیر شدند.
رژیم تصور میکرد که پس از این گشتار
با هیچگونه اعتراضی مواجه نخواهد شد
اما چند ماه بعد یعنی در ۲۰ دیماه ۳۸ -
تظاهرات سراسری دانش آموزان، این
رویای شاه را به کابوس بدل کرد.
در دیماه ۳۸ دکتر مهران وزیر فرهنگ
وقت تصمیم گرفت که نمره قبولی امتحانات
نهائی در سال ششم متوسطه را از زده به
از زده تغییر دهد. این تصمیم بلافاصله
مورد اعتراض دانش آموزان سال ششم

انقلاب کوبا و دستاوردهای آن

مناسبت اول ژانویه بیست و دومین سالگرد پیروزی انقلاب کوبا



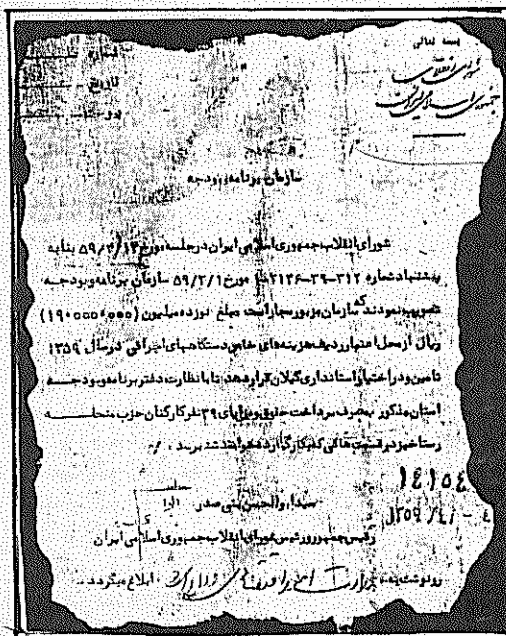
تختی

پهلوان مردم بود

خبر در همه جا پیچید. خبری به همه جا رفت. خبری با نهارها را در نور دید و از کوه پس کوه ها گذشت. خبر ازین بست ها با لارفت و درخا نه ها ولوله افکند، خبر درخانی آبا ده ها حلبی آبا ده ها ویا خجی آبا ده ها، درگودها و قمبرها زا غه نشینا نزا از جاکند. خبر در محله های فقیرنشین جرخید و پیش رفت. خبر در مدرسه ها و دانشگاه ها آژیر خطر کشید. خبر مثل باد، مثل گرد باد، مثل توفان در جاده های میهن شتاب گرفت و از دورترین شهرک ها بقیه در صفحه ۱۲

بدستور بنی صدر

میلیونهای بابت حقوق و مزایای عمال رژیم شاه در اختیار استانداری گیلان قرار گرفت



بدستور بنی صدر میلیونهای ریال بابت حقوق و مزایای عمال رژیم شاه، در اختیار استانداری گیلان قرار گرفت! هما نظور که دیده ایم بنی صدر همواره کوشیده است تا با مخالفت

برداختند اما کارگران نوزحمتکش کوبا که کمربان در زیر بار رستم و استعمار امپریالیسم آمریکا و پانگاه داخلیش، سرمایه داران وابسته، خم شده بود به انقلابیون پیوستند و مبارزان درخشان توده ها به رهبری رفیق فیدل کاسترو و چه گوارا در اول ژانویه ۱۹۵۹ پیروزی انقلاب کوبا انجام مید.

خدمتگزاران بورژوازی همچون اسکالانتی که سالها مبارزان توده ها را به انحراف کشیده بودند تبلیغات وسیعی را بر علیه انقلابیون انجام می دادند پس از پیروزی انقلاب از کوبا تبعید شدند. با آغاز انقلاب کوبا دیگر گونیهای بنیادی در کلیه شئون اقتصادی اجتماعی - سیاسی و فرهنگی صورت گرفت. حاکمیتی که بیسی از سرنگونی با تیس تا بر سر کار آمد اگر چه برخی نمایندگان بورژوازی لیبرال را به خدمت گرفت اما از آنجا که قدرت واقعی در دست نمایندگان واقعی خلق بود اقدامات اساسی به نفع توده ها صورت گرفت در سال ۱۹۶۱ نمایندگان بورژوازی لیبرال که اساسا دشمن انقلاب و توده ها بودند از قدرت سیاسی کنار گذاشته شدند و بر رهبری حزب واقعی طبقه کارگر پس از سرنگونی رژیم تیس تا بنیان نهاده شده بود و صادق ترین انقلابیون کمونیست را در خود جای داده بود پیروزی بقیه در صفحه ۱۳

هنگامیکه احزاب رفرمیست کوبا بدنبال اشکال صرفا "مسالمت آمیز" مبارزه بودند و با لخص "اسکالانتی" رهبر حزب سوسیالیست خلق کوبا "با صلاح حزب کمونیست کوبا" رژیم تیس تا گاه همکار ریوگانه جنگ زرگری می نمود، انقلابیون کوبا با تحلیل از شرایط انقلابی موجود مبارزه مسلحانه را از کوه های سیرا ماسترا و با حمله به مونکا داه در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ بر علیه رژیم تیس تا آغاز کردند.

رژیم سرسپرده با تیس تا بیگانه امپریالیسم آمریکا در کوبا بود و در خدمت انحصارات امپریالیستی قرار داشت. سرمایه داران آمریکا شیی زمینهای وسیعی را در کوبا به کشتن نیشکر اختصاص داده بودند و با مشارکت سرمایه داران وابسته داخلی به استثمار خلق کوبا میپرداختند. اقتصاد تک محصولی کوبا به تولید نیشکر متکی بود و آمریکا با قیمت ارزان نیشکر را می خرید و شکر مورد احتیاج مردم را به قیمتی چندبرابر به آنها می فروخت. گسترش کشت مکنیزه، دهقانان فقیر و زحمتکش را که مورد استثمار و استعمار زمینداران بزرگ قرار داشتند و ادار ساختن تا به شهرها روی بیاورد و به خیل بیکاران پیوندند.

با آغاز مبارزه مسلحانه احزاب رفرمیست به انتقاد از پارتنرها

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر